

در بزرگداشت ۷۰مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

★ سخنرانیهای میخائیل گارباچف در ★ سخنرانیهای رفیق فرخ نگهدار در
همایشهای ۷۰مین سالگرد
همایشهای ۷۰مین سالگرد
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

★ ابتکار نوین برای هم اندیشی در راه صلح و عدالت در جهان

در صفحات ۵ - ۱۲

نامه به خاورپرزده و کوته‌نبار

در دفاع از صلح و زندانیان سیاسی
در صفحه آخر

جهاد برای امتیاز

در یکی دو هفته اخیر، میهن جنگ زده ما یک بار دیگر ناگهان هدف تلاش های رژیم پهلوی و رژیم برای بسیج نیرو بود. با موافقت خمینی، شورای عالی پشتیبانی جنگ که سردمداران اصلی رژیم پهلوی هستند، برای تدارک موج تازه ای از عملیات نظامی علیه عراق در سراسر جبهه ها، تصمیمات جنگی جدیدی اتخاذ کرد که طی یک اعلامیه ده ماهه ای اعلام گردید. مطابق این اعلامیه کسانی که می توانند جبهه بیرون دنیا بده خود را به نیروهای مسلح معرفی کنند و کسانی که آنها را توانائی را ندارند باید هزینه یک ماهه یک نفر را در جبهه تامین کنند، در ضمن آن متضمن آن موظف شده اند که همسر ما به ملی را بر طبق نیازهای جنگ به کار بگیرند، دستگاها و پولتی باید تامین نیازهای جنگ را در اواسط وظایف خود قرار دهند، سپاه موظف شده است که برای هر کسی که می تواند جبهه بیرون دنیا بده خود را به نیروهای مسلح معرفی کند، در ضمن آن متضمن آن موظف شده است که رژیم "جنگ جهانی" و "جنگ جهانی" داده است.

موضعگیری آنکارا رخنه‌ها به نفع شروع آنها جماعت تازه در جبهه ها و دخالت غلبه او پس از ما همیا سکوت در این زمینه، با نکت های دیپلماتیک اخیر رژیم در زمینه جنگ و در سطح جهانی در ارتباط است. جدیدترین شکست رژیم، تصمیمات اخیر نشست سران کشورهای عربی در عمان است. در این نشست جمهوری اسلامی به دلیل انتقال خاک عراق و عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به اتفاق آرا محکوم و به همین ترتیب در منطقه عربی خاور میانه بیش از پیش مطروند.

اکنون مدعی است که سران رژیم مطرح می کنند ابتدا مسئول آغاز جنگ توسط سازمان ملل معرفی و بر داد ختم غربی است پذیرفته شدن آن پس برقرار شود. این پیش شرط ها با پیش شرط های قبلی تفاوت فاحش کرده اند. قبلا سران رژیم اولاً، سرنگونی صدام و احزاب بعثت و حتی استقرار جمهوری اسلامی در عراق را شرط صلح قرار می دادند، تا نسبتاً از مذاکره در باره جنگ و اختلافات در کشور امتناع می کردند، ولی روند رویدادها رهبران جمهوری اسلامی را از دست یابی به آن هدف نا امید کرد. سرد از سوی دیگر این روندها به آنها تفهیم کردند که امتناع از مذاکره تا آنجا که ممکن نیست و این موضعی نیست که بتوانند در روی آن تا به آخر ایستادگی کنند. در نتیجه امروز شکلی از مذاکره را پذیرفته اند.

رهبران رژیم گرچه از رزوها و خیالات خود دست نکشیده اند، اما اوضاع به گونه ای پیش رفته است که آنها مجبور شده اند بنگونه تهرات را به نماز جمعه ها و مجالس خصوصی اختصاص دهند تا برای طرح در مذاکرات رسمی، این عقب نشینی آخوندها، نهاد و طلبانده بلکه جاری و نتیجه همین بست رسیدن ما شین جنگی آنها، نتیجه مقابله و مبارزه مردم علیه جنگ، و خامت اقتصاد دکتور و گریبهای درون بقیه در صفحه ۲

نیوشا فرهی

حماسه فدا شدن براه خلق

"هرگز نمی برد آنکه دلش زنده نماند عشیق شت است در جریده عالم دوام ما"

بعنوان اعتراض به حضور خاندان جلاد در سازمان ملل متحد،

و نیز اعتراض به سیاست های خارجی اولتراراست دولت ریگان،

و همچنین اعتراض به عملکرد زهر آلود جوجسه شیت های شاه لاهی که همچنان در خدمت با خلفهای ستم دیده ایران می فشارند،

خود را به آتش می کشم

مرکز برامپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

مرکز برنظام ولایت فقیه

نا بود با دیدگاهی خردمندانه

در دوره ستمدگی

در دوره آزادی

در دوره خلق های مبارز و رنج دیده جهان سوم

در دوره ای که همه خلق های ستمکش آن

در دوره نیروهای انقلابی و جفا ایران و جهان

در دوره کمونیسم

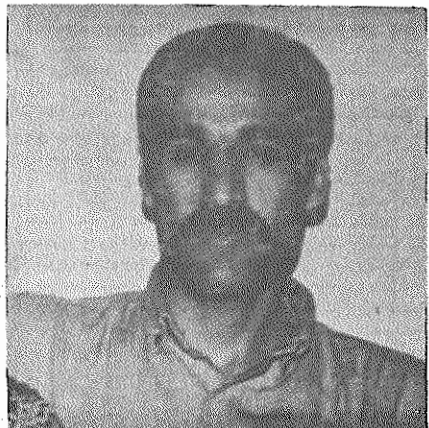
بلوای انتخابات و تاکتیک

"اپوزیسیون قانونی"

اکنون در حالی که برخی بیروان منتظری با تیغ "وابستگی به گروه مچدی هاشمی" تهدید می شوند و "قانونمقا مهربی" تلاش برای یک خطی کردن مجلس را خیانت به انقلاب می نامد، طرفداران دولت موسوی و پاندها نمی رخنه ای با اتکا به پشتیبانی خمینی به کار "با کسای" وزارت کشور به منظور تدارک مجلس "یک دست" ادامه می دهند. جناح "رسالت" کار را به "سلف خری آرا" کشانده و فضا می پدید آورده است که مخالفینش نگران خودشان باشند. مثلاً "حائری زاده" نماینده طرفدار دولت این دلواپسی را با زتاب داده است. او در شروع سخنرانی اش به نشانده نگرانی از آینده، ابتدا "شهادتین" بوزبان جاری کرد سپس اعلام نمود که "زیبش رای خریدن حرام

کنگره ۱۳ حزب کمونیست چین
گامی بزرگ در راه نوسازی

- ★ در این شماره
- ★ بحث علنی برای دستیابی به حقیقت در صفحه ۴
- ★ "اجلاس امان" در دفاع از قطع جنگ در صفحه ۱۴
- ★ جهان در انتظار دیدار رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در صفحه ۱۴
- ★ بازداشت رهزنانه رهبران احزاب کمونیست و کارگر ترکیه در صفحه آخر



فدائی قهرمان، رفیق محمود زکی بور، انقلابی پرشوری کدسا لیان در راه آزادی و بهر روزی مردم کشورش رزمیدوداغ مکنجه گاهای دور زیم را برتن داشت، به دست جلادان اوین تیرباران شد، گرامی باد ساد او، پر رهرو باد راه او!

است. سلف خری کالاهای به سلف خری آرا رسیده است او گفت که می هزار تومان، در بعضی از تیرها به آقا یان می دهند تا کاندید مورد نظر آنها تبلیغ شود. در همان جلسه مجلس، بزدی چهره سر نشان تا نسبت "رسالت" حائری زاده را به تفرقه افکنی متهم نمود و گفت که برای تفرقه افکنان "برونده تشکیل شده است. اگر این اظهارات بزرگ در کنار سخنان مشاور وزیر کشور قرار گیرد که گفته بود میخائیل فین دولت با طرفداران دولت همان برخوردی را دارند که با شما فغان و ما رگسیستها، آنگاه معنی تیرباران از زبان بزرگ و "شهادت" گوئی حائری زاده روشن تر می شود.

در چنین فضایی که سران "شرخ" رژیم ما نیستند کرگان درنده، به یکدیگر جنگ و دندان نشان می دهند و با ندها، انواع حربه های متداول و شناخته شده جمهوری اسلامی، زبول و ترور رژیم ما عوام فریبی بقیه در صفحه ۲

توطئه های رژیم در کردستان

جمهوری اسلامی می گوید تا بموازات سیاست اصلی اش در کردستان که تا به سر نیزه و سرکوب خشن هرندی از حق طلبان نهوا را درخواهان است، در بعضی هائی نیز به طاهر از خود نعطاف به خرج دهد. این سیاست که به اصطلاح با هدف جدا کردن از جنبش مسلحانه و مقاومت خلق کردپراچی شده، با وعده و وعیدهای از طرف ما موران حکومتی در رابطه با اختتام بودجه و امکانات به کردستان و جبران عقب ماندگی های کمیبودهای خدماتی، واقداً ما می محدود و نامتواقی همرا ه است.

اما آنچه که در این رابطه تاکنون پیش رفته بطور عمده در خدمت اهداف نظامی رژیم برای تثبیت موقعیت آن در کردستان بوده است. ساختن جاده های نظامی در نوار مرزی و بعضی از مناطق روستا تیر دیگر منطقه، با ساختن خدمت جنگ و حفاظت و تامین ارتباط با پکا هیا ی نظامی متعدد رژیم در کردستان است و بقیه در صفحه ۲



جهاد برای امتیاز...
رژیم و نیز نتیجه تقویت نیروهای خواهان قطع جنگ در مقیاس جهانی بوده است.

سران رژیم می گویند که همه امکانات موجود را به خدمت بگیرند تا از فشارها که در جهت قطع جنگ به آنها وارد می شود بکاهدند و از موضع ضعف به در آیند. در عین حال آنها می خواهند در این جمهوری اسلامی را از جنگ به گونه ای خلاص کنند که خطری متوجه حکومتشان نشود و اینکار "آرومندانانه" صورت نگیرد. همین تناقض، آنان را به ادامه نومیدانه جنگ وامی دارد.

دروغ کثونی آنچه را که سران رژیم در مذاکرات بی می گیرند، این است که شروط خود را به طرف مقابل تحمیل کنند و امتیازات سیاسی و مادی بگیرند. این امتیازات هر چه چشمگیرتر باشد، بر خاکی آبرومندانانه تر "خواهد بود". آنها شایسته آنند که با این امتیازات سیاسی شما خود را در ادامه دادن به جنگ نزد مردم توجیه کنند و چند صباحی روزی منتظر خلق را دور بزنند.

سران رژیم از مردم خوف دارند. به همین دلیل وقتی که همه می توانند در جنگ پیروز شوند و می توانند بیش از این با آتش بین مخالفان کنند، راه چسار را در موضع فعلی در تلاش برای گرفتن امتیاز یافته اند. در تقویت همین هدفها است که رژیم هیچ عمومی داده است، بسببی که اگر به آنها جرات دیدید و نتیجه های نظامی منجر شود، دهها هزار نفر دیگر را نابود خواهد کرد.

سبب کثونی رژیم در وضعیت بفرنج کثونی می توان دید که حوادث بسیار خطرناکی بیجا می افتد. این میان دولت ریگان و متحدان نا توشی آن فرست دیگری می بیند که از جرات جوش دید رژیم در جهت تقویت بیشتر مواضع خود در منطقه و حفظ تشنج در خلیج فارس و تثبیت لشکرکشی کثونی به آن باز هم پیروداری کنند.

برای رهایی جان دهها هزار نفر از خطر مرگ و حفظ همه آن چیزها می که تا کنون در میهن جنگ زده آزاد است اندازی جنگ در امان مانده است، باید مقاومت سران رژیم در برابر آتش بس در هم شکسته شود. اکنون جمهوری اسلامی در موقعیتی قرار گرفته که نمی تواند در برابر سرکشی اعتراضی و مبارزه مردم همچنان مقاومت کند. امکانات آخوندها برای ادامه جنگ نامحدود نیست و امتیاز اقتصادی کشورها نیز شده و نرفت از جنگ و امتیاز از خود در جهت باز نیز فراگیر شده است و از درون هیات حاکمه نیز بر سر راه های رهایی از جنگ، کشمکش وجود دارد. علاوه بر آن کشورهای عربی عموما خواهان قطع درگیری هستند و در مقیاس جهانی نیز نیروهای کثو خانان استقرار ملح بین ایران و عراق هستند، در حال گسترش است. در موقعیت کثونی نیروی مردم کشور ما بخاطر صلح بیش از هر زمان سریع التا نبر است. جبهه کشور چو در خارج، با همه توان باید اعتراضی و مبارزه علیه جنگ را گسترش دهیم.

در لحظه کثونی باید شعار آتش بس بدون قید و شرط، و پذیرش و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، در برابر شعارهای مردم در مبارزه علیه جنگ و رژیم قرار بگیرد.

توطئه های رژیم...
بقیه از صفحه اول

طریق و اسطه های معلوم ل حال خود پیشمرگان قهرمان را با دادن وعده های واهی بفریبید و بگوشه گرفتن "امان نامه" شتوبی نماید. البته در این راه تهدید و اعمال فشار به خواننده های محروم و زجر کشیده آنها بعنوان روش همیشگی مورد استفاده واقع می شود. در شهر پورما سال جاری پس از تعطیلات پیشمرگان در "نوینار" که منجر به کشته و اسیر شدن تعداد زیادی از اعضای سرکوبگر و جاسای رژیم شد، با دادن تعداد زیادی از امان نامه های پیشمرگه را دستگیر کردند و آنها را برای بازگرداندن و تحویل فرزندان شان تحت فشار و ازادیت قسار دادند.

در کنار اقدامات به اطلاع عمرا نسسی و فرهنگی جمهوری اسلامی در کردستان، تلاشهای زیادی در جهت کنترل اوضاع در منطقه و تثبیت و تحکیم موقعیت رژیم در کردستان صورت میگیرد. اعزام نیروهای غیر بومی و بیاداران کثینی به مدرا و ادارات منطقه و اسکان دادن افراد غیر بومی و جاسای در محلات شهرهای مختلف برای تبلیغ، گزارش دهی و جاسوسی و تصفیه افرامترقی و مردمی و سمیاتی علیه نیروهای ملی و مترقی، به وسعت ادامه دارد.

ارگانهای امنیتی رژیم در مساجد تلاش می کنند در همه کجوهه ها و محلات عناصر مرکز را شکار و چشم پوش خود را بکار برند و از حرکات اعتراضی مردم و وقت آمدن پیشمرگه ها اطلاعاتی کسب کنند. این اقدامات در همه شهرهای کردستان انجام می شود.

پس از شکست سیاست تسلیح اجباری مردم در روستا ها، مدتهاست با ساداران خمینی مذاحانه تلاش می کنند تا به بیانه واهی ایجاد نمایند در روستا ها، مردم را از راه بنیگانی ای جباری کنند و به خیال خودشان را به تقابل با پیشمرگه ها بکشانند، اما مردم که خوب می دانند چنین سیاستی در خدمت حفظ ازبایگا های رژیم و تمان امنیت برای فرزندان آن است، تن به آن نمی دهند و به مقابله با آن می پردازند.

طرح حسنا جدید رژیم در مورد سران زهدوردن افراد بومی در منطقه خود یکی دیگر از توطئه های آخوندها برای رودر رو کردن مردم با پیشمرگه ها، بر اساس این طرح سران بومی در بایگا های روستا و منطقه خود به خدمت می پردازند و سواک رژیم می گویند آنها را به جاس - سر باز تبدیل کنند و از این طریق اختلاف و نفاق در میان مردم و نیروهای مترقی را دامن بزنند.

در بعضی از روستا ها ما موران با تهدید و ارعاب مردم، آنها را مجبوری کنند تا آذوقه و نیازه های بایگا های نظامی مستقر در آنجا را تامین نمایند. این در حالی است که خود روستایان به نمانند محتاجند.

اکنون در کردستان مبارزات مردم بیشتر و میتوتر می شود و فشار و محدودیت های رژیم نیز افزایش می یابد. اعتصاب چند ماهه پیش کارگران ۵۵ کوره آجر پزی در اطراف یسوگان برای افزایش دستمزد، اعتراض دسته جمعی چندی پیش روستایان منطقه "سارال" به بنیگانی ای جباری و اعمال فشار ما موران مستقر در بایگا های منطقه، بازگشت عده ای از روستایانی که به اجبار رکوچانده شده بودند به روستا های منطقه "آلان" سر دشت، علیه تهدید و ممانعت با ساداران خمینی، باز پس دادن سلاحها به حکومت تا توسط ساکنان تعدادی از روستا های سقز که به زور مسلح شده بودند، اعتراض و مقابله با تسلیح اجباری در روستا های اطراف یانه، اعتراض و مبارزه روستایان منطقه "منگور" مها با دو پیرا نشهر به تمان آذوقه بایگا های جاسا، اعتراض کارگران و کارمندان شهر داری به اعزام اعیان برای به جبهه در چند شهر جنوب کردستان... همه موهمه گویای این وضع است.

علاوه بر این مقاومت و مبارزه مردم منطقه علیه اعزام اجباری فرزندان به جبهه های جنگ و ستیافته است. طی تابستان گذشته جاسای مستقر در بایگا "خلقیان" در منطقه محال مها باد برای سر باز گیری به تعدادی از روستا های منطقه از جمله روستا های "آچی دره" و "قادراباد" بورش بردند و عده ای از جوانان را دستگیر کرده و بیهوش برای فرستادند. مردم به این عمل شدیداً اعتراض کردند و جوانان آن اعزامی نیز پس از مدتی از خدمت فرا کردند. چنین وقایع در روستا های "فیغل لکه" بگی بوکان، اطراف دیواندره، سقز و سیسای از روستا های دیگر منطقه به چشم می خورد.

تحقیق در گریه میان حزب دموکرات کردستان و کومله، جردن نتیجه تقسیم بندی مناطق بود، اما تا ثیرات مثبتی بر اذهان مردم کردستان و برجای گذاشت، این امر سبب شد تا طی تابستان و بهار گذشته عملیات گسترده تری علیه رژیم در کردستان انجام یابد. با بدو مبارزه پیشمرگه ها با روحیه و ابتکار عمل بیشتری همراه با شد. طی این مدت تا کشتیهای اتخا زده توسط نیروهای مبارز کردستان کاسی از هما هنگی بیشتر آنها با اوضاع و شرایط کنونی منطقه بود. این سالها به نوبه خود بر توان و کارائی آنها موثر افتاد و بر خنثی کردن توطئه های سرکوبگر رژیم در منطقه تا شیرگزارد.

بلوای انتخابات...
بقیه از صفحه اول
و شتخته تقوازی همرا به خدمت گرفته اند، مهندس اول با زرگان این "دلسوز نظام" و "پوزسیون قانونی حضرت امام" لحظه را برای مطرح شدن مناسب دیده و با توصیه های متشقا نه برای حاکمیت به صحنه آمده است. "نیفت آرازی مهندس با زرگان" در بیا نیبا نتخا با تی خویش نگرانی شدید خود را از شدید در گریه ای درون حکومت و خطر انفجار ریززرگ ابراز دادند.

آقای با زرگان ضمن تاکید بر "خطر در گریه های انفجاری گروههای رقیب در حاکمیت که هرکدام به شتاب و وضعت امکانات و تجهیزات نظامی فراوانی در اختیار دارند" و گفتن اینکه "در گریه های می توانند به نایب بوی کشور ما بیجا نماند"، می نویسند: "نتخا راه بقای هر گروه... در تحمل خورسایرین است و تن دادن به بدین که همه نیروهای متعقد به انقلاب اسلامی - خواه در درون حاکمیت یا مخالف حاکمیت - بتوانند با حفظ مواضع سیاسی و اقتصادی خود، به تبلیغ مسالمت آمیز نظرات خود بپردازند."

با زرگان نگران سقوط جمهوری اسلامی است. با زرگان می بیند که آخوندها خود نتوانند راه در فکر درین یکدیگر تندو اگرا و ضاع به اینگونه پیش برود، به سبب "سیل" به راه ایفتد و همه چیز رژیم برآ می رود. به همین دلیل ندای "ساران" سرمی دهد و مفرغ "دلسوزی" و "حاس و وظیفه" و "علیرغم بی توجهی، تهدیدها، و خطرات با به جلو گذاشته"، به خمینی بنده می دهد که سوا با طمینان را با زکنید: "اینک نوبت رژیم اسلامی برای باز کردن فضای سیاسی است"

و برای آنکه خمینی ضرورت کشودن سوا پها را درک کند، ضمن تاکید بر "بن بست های جنگ سوا ساله" "بحران اقتصادی گسترده و وحشتناک" هشدار می دهد که "از زهران ۶ میلیونی" در انتخابات مبارزه و راه "فردم در نظر نداشتند" برای به عنوان نماینده مردم مجلس در آنها است! "و گوشزد می کند که اگر اوضاع بدین منوال پیش برود سوا پها همچنان ناکشودند، آنگاه "اکثریت مردم نیز سران (انتخابات) شرکت نخواهند کرد" و چه ظنری از این بالاتر که مردم انتخابات رژیم را تحریم کنند و "خط" نیروهای مترقی و انقلابی پیش برود. و از این جا است که با زرگان با حالتی شبیه استغافه به سران رژیم می گوید "برای رضای خدا... و خیر و صلاح خودتان دست از... انحطاط گزارشی بردارید."

او در گذشته هم، زمانی که یک مشروطه خواه و مسالمت جو بود، با رها به شاه "توصیه متشقا نه کرده بود که فضا را با زکنند و مشروطه را بس بدهد. اما شاه "بگدندگی کرد و بنیگانی به فکر کشودن سوا پها افتاد که سبب به نیت دیوارهای کاخ نیاوران رسیده بود، ناچار از جاس معلوم خمینی که کمتر از شش "بگدندگی" نیست - به توصیه های پیر در محافل سرما به داری لبرال توجه کند و با اصلا بتوانند توجه کند و برای توجه کردن در بنده شد پس با پید آیدند" "همچنان به نیش بر سری کرد و برای این حالت هم که دوباره "سیل" بساید "سرما به گذاری" کرد. از این جا است که با زرگان گوشه چمنی هم به "مردم" نشان داده، در بیا نیبا ش گریزی به صحرای کربلای زنده که "اختناق" و انحصار دستگاه و فشار بر مردم شدید تر شده است" و مردم از "جان منی، بیگاری و رگودتورما، اختناق و انحصار روح جنگ به جان آمده اند."

با زرگان پس از بیا نیبا به تیرما که اندکی سارچ از اعتدال می نمود، در اطلاعیه میرما از مردم دعوت نمود که "هنگی با یاد در فاعلیت های انتخا با تی شرکت کرده و در نهایت بای مند و قهار فته و رای آگاهانه و آزادانه خود را بدهیم... و او گریگذا شتند به صرا و اعتبارش بیا فزایم... اگر بای زبای عتقانی و سرختی (انسان) نشان دادند، بجا است که آخرین جبهه دست زده و از رفتن به حوزه ها و انداختن آراء خودداری کنیم." این جمله آخر دعوتنامه با زرگان که ظاهر کلا آترا متنا قن کرده است نتخا در برتوسد برسی های یک لبرال از نوع با زرگان قابل فهم است. این جاس برسی نشان می دهد که با زرگان از اینگونه تهدیدها زبا نکرده است و از جمله در آخرین نمایش انتخا با تی که خا منهای از صندوق ریاست جمهوری سر در آورد، با زرگان ۱۱ شرط برای شرکت در انتخابات گذاشته بود. البته سران رژیم به شرایط واقعی نتخا دند، ولی از این راه روی مبارک نیا ورود در ریستف کانی ندیدند و نا متوسسی کرد و جالب اینکه علیرغم همه اینها اصحا و ولی فقیه به نهمه "جوانمردی" و "گذشت" را ندیده نگاشتنند و سوا را از لیبست حذف کردند.

برخورد های چند پهلوی با زرگان که به کوشه های از آن اشاره شد، همه بیا نگراندگیها و در جستجوی جاشی برای شستن میاندلی جمهوری اسلامی و مندلی مردم است. اما میان این دو جاشی برای شستن نیست. اکنون در پی ۹ سال حکومت چهل و جتنا بی فقیه، میان مردم که انقلاب کردند و بنیگاران که انقلاب را از دست مردم بوندند و در مسلخ اوین، در پیش پای سرما به داران و مالکان قریبانی کردند، نتخا شکی از خون جاری است و با زرگان که می گویند بیل مردم به جان آمده و رژیم سراپا سنگ جمهوری اسلامی بیل بزند، به عبست آب درها و می گویند.

بحث علنی برای دستیابی به حقیقت

بدنبال انتشار مقاله "برای دستیابی مشترک به حقیقت" در کارنامه ۲۹، "تا مردم" ارکان کمیته مرکزی حزب بوده، بر آن، نقدی پیرامون آن منتشر شده است. رفقا در مقدمه مقاله نوشتند: "ما معتقدیم روابط برادرانه میان حزب و سازمان چنان شرایط را بوجود آورده که بتوانند مسائل مورد بحث را نه در محفل آرگانهای مطبوعاتی، بلکه پشت میز مذاکره مورد بررسی قرار دهند و به نتیجه مطلوب برسند. بیمنیبت ما تا سقف خود را زکشا ندهد، مسائل مورد اختلاف به محضات روزنامه ارگان از طرف پنهان نمی داریم."

ما بر این باوریم که "مباحثه علنی" فی نفسه نمی تواند موجبی برای "ا برازتاش" باشد، از نظر ما نه گفتگو بیست میز مذاکره بخودی خود تحکیم کننده روابط برادرانه است و نه مباحثه علنی تحریک کننده آن. می توان دشمن بود و برای حل این یا آن مسئله مورد اختلاف پشت میز مذاکره نشست و می توان دوست بود و علاوه بر مذاکره برای حل و فصل مسائل فی ما بین از مباحثه علنی خلاق و رفیقانه نیز بهره گرفت. آنچه در این بین اهمیت درجه اول دارد، نه شکل بحث که هدف و محتوای آن و مستگیری طرفین در جریان مباحثه است. از نظر ما "علنییت تنها اطلاع نیست، و بیشتر از آن است. علنییت شیوه تامل نظر آشکار و علنی است و چنانکه گذشت، خواست راه را برای "تبادل نظر" فراهم می کند و منظم شده گسترده خوانندگان (۱) می گشاید. (۲)

ما مباحثه علنی را برای مشارکت طرف هر چه وسیع تری از نیروها در کوشش به منظور دستیابی به حقیقت برگزیده ایم. وظایف می کنیم تا مباحثه علنی به وهما شکل موثر و مفید مباحثه را - به مثابه ابزاری در خدمت "دستیابی مشترک به حقیقت" و به عنوان وسیله ای در خدمت زود انحرافات و تحکیم روابط برادرانه میان حزب و سازمان برپا به اصول مارکسیسم-لنینیسم و انحراف سوسیالیسم پرولتری به خدمت بگیریم. خوشبختانه رفقا از این نظر ابراهیم به مقاله "کار" وارد شده اند.

علاوه بر این، همانگونه که "کار" و "تا مردم" تاکید کرده اند، اسناد "پلنوم وسیع سازمان" و "کنفرانس ملی حزب" منتشر شده اند. در این رابطه کارها کاملاً طبیعی است که حزب و سازمان از سوی اعضا و هواداران - و طبقی به مراتب گسترده تر از آن - در رابطه با ارزیابی های متفاوتی که ارائه داده اند مورد سؤال قرار گیرند. روشن است که این سخگوشی به یاد پیگوشی است و نه از طریق اظهار نظر علنی پیرامون اسناد منتشره میسر است. در میان زره علیه رژیم فخری، و پیکار در راه بسیج طبقه کارگر و زحمتکشان (مهم است که حزب و سازمان و همه نیروهای حزب و انقلابی در جذب درسیا و تجارب گرانمایه ای انقلاب بهمن که باید در توسعه تدارک انقلاب آتی قرار گیرد، بطور موثر تلاش ورزند و به توده ها در جذب درسیا و تجارب انقلاب بهمن یاری رسانند و مباحثه علنی اقدامی است در این جهت و لذا نه هر زمان "بخشی از مکاتبات و نیرو" بلکه کوشش مسئولانه ای است در راستای شجیرت توده در مبارزه علیه رژیم فخری ج.ا.

لنین با رها تا تاکید کرده است که "هیچ جنبشی و از جمله جنبش طبقه کارگر نمی تواند بدون مباحثات، منا جرات و برخورد نظرات بوجه تاج خود ادامه دهد." (۳) تجربه جنبش جهانی کمونیستی و بویژه حزب کمونیست اتحاد شوروی که امروزه پیش از هر زمان به ضرورت "علنییت" پای می نرسد، نیز مویله لازم و فایده مندی مباحثه علنی است.

حزب و سازمان که وحدت پیروان سوسیالیسم علمی در حزب و احاطه طبقه کارگر را در مرکز توجه خود قرار داده اند، باید به مباحثه علنی در این جنبش در این رابطه که از احاطه کوشش ما خنگی می شود و مبارزه در راه ما خنگی انجام می گیرد، پاسخ گویند و مباحثه علنی از جمله می تواند در خدمت این امر قرار گیرد.

علاوه بر همه اینها مباحثه علنی مباحثه علنی را بکار گرفتیم که با انتشار اسناد مصوبه پلنوم وسیع سازمان و کنفرانس ملی حزب، اختلاف نظرها شی در زمینه نقدی گذشته علنییت یافته بود و تا مردم بدنبال آن انتشار اسناد کنفرانس ملی، با طرح این مسئله "حزب ما... با یابینی انتقادی تجربه هفت سال گذشته به طرز زبندی تازه ای دست یافته است" (۴) که بر بررسی خط فکری و سرنوشت حزب در سالهای گذشته و با توجه به محتوای اعلام نمود. لذا اظهار تاملی نمی تواند و بنا به نتیجه مباحثه علنی کرده که می توان در خدمت از بین بردن اختلاف نظر و تأمین وحدتی اصولی، رزمنده و رفیقانه قرار بگیرد.

و چنانچه آرد در این باب آنکه "تا مردم" وجود اختلاف نظر در جمع بیست براتیک گذشته را به دلیل که "سیاست حزب و سازمان حداقل در قاطب طلسه زمانی سالهای ۵۷-۶۰ همسان و همگون نبود" "کاملاً منطقی" می دانند. در این مورد بی تردید گفت؛ اولاد، در این باره که کما مخط می در قاطب سالهای ۵۷-۶۰ درست بود، مبین تحلیل های پلنوم وسیع سازمان و کنفرانس ملی حزب اختلاف نظری وجود دارد. ثانیاً، به خوبی روشن است که ما هیچ همسانا اختلاف نظر در ارزیابی سازمان و حزب از سرنوشت مخط می است که در سالهای ۶۰-۶۶ به طور کارگامال از سوی سازمان ما نیز بکار گرفته شده است. ثالثاً، به باور ما و سوسیالیستهای آنجا که به مقوله اتحاد عمل بین سازمانهای انقلابی مربوط می شود، وجود اختلاف نظر پیرامون این یا آن مسئله، می تواند کاملاً منطقی باشد و نباید دیدمانی در راه همگاری در عرصه های که اشتراک توجه و جود دارد فرا هم سازد. اما آنجا که سخن از "وحدت در حزب واحد" در میان است، اختلاف نظر جدی در مورد موضوعی به اهمیت براتیک گذشته را نمی توان "منطقی" دانست. شاید همین خاطر است که رفقا چند سطر بعد، با طرح این مسئله که "اکثر روندی وجودی ما است که... بی شک می توانستیم به فرمولسندیایی مشترکی دست یابیم"، حکم پیشین را نقض می کنند.

رفقا پس از مقدمه و طرح چند سؤال مشخص و برادر خن به یک روش ما شمل با لایحه متنوع، بر این نتیجه گیری حزب تا کید می کنند که "استراتژی حزب که ملاحظه می شود... و اشتیاق ما در تامل برخی تا کتیکها بوده است" و "حقیقت این است که کارگران و زحمتکشان هر روز بیشتر از روز پیش به محبت برنا مسه و خط می ما می می بردند و در نتیجه نفوذ حزب و بیهوشی بود."

حزب ما با متوجه دور ساختن لیسرا لیا و "جناح راست پیروان خمینی" (و نه "خمینی پیروان اصل") و که متعلقه قلمداد می شدند (از حکومت بود؟ امروز پس از گذشت بیش از ۸ سال و آژموده شدن همه چیز چگونه می توان این استراتژی را صحیح ارزیابی کرد؟

اینگه زره ماه ۵۴ در خصوص استراتژی گذشته، پلنوم شانزدهم و پلنوم هفدهم چه نقشی داشته، برنا مسه شگوفای چه بوده، نقش رهبری وقت چگونه بوده... هیچکدام نمی توانستند در استراتژی شگوفای جمهوری اسلامی را مدخل کنند. حقیقت همواره مشخص است و معیار آن نیز پراستیک و انبوه براتیک حزب (و نیز سازمان در مقطع ۶۰-۶۱) میانگرا است که سمت اصلی بیگرا حزب متوجه سوق دادن حکومت خمینی به سمت مواضع ترقی خواهانه بوده است. امری که بنا به ما به هیئت رژیم خمینی هرگز نمی توانست تحقق یابد و سیر وقایع نیز همین را اثبات کردند. نمی توان بدون نادیده گرفتن این پراستیک انبوه، صحت استراتژی را اثبات نمود.

ما گفتیم "سیاست درست در این راستا همچنان مبارزه در راه بسیج شده های خلق تحت رهبری خود مابا زره در راه شادونیروهای چپ و دمکراتیک و گسترش آن به خلق دهمه نیروهای خلقی و تأمین هژمونی طبقه کارگر در آن و انتقال قدرت به این آلترنا تیو بود." و رفقا می نویسند: "این اصل صحیح، اما کلی است. بحث بر سر آن است که این اصل را چگونه می توانستیم درجوی که توسط شاد زحرف به عمل در آوریم؟" بله رفقا، این اصل صحیح، البته کلی است. چرا که بیگرا جوهریک استراتژی است که سمت اصلی بیگرا را نشان می دهد و لذا باید همگی با شاد و تفاقیات بر سر همین استراتژی کلی است: ابتدا پذیرش "مبارزه در راه انتقال قدرت به این آلترنا تیو و سپس بحث پیرامون چگونه می توانیم تحقق آن."

براتیک حزب و نیز سازمان (در سالهای ۶۰-۶۱)، بر نشان نمی دهد که مبارزه در راه انتقال قدرت به این دهمه نیروهای چپ و دمکراتیک و تأمین سرکردگی طبقه کارگر در این اتحاد تعقیب شده است. خمینی و هیچ یک از جناحهای پیروا نمی توانستند در اتحاد نیروهای چپ و دمکراتیک کشور بکنجند. آنها لزوماً ما چپ مبارزه نیروهای چپ و دمکراتیک قرار می گرفتند. همانگونه که امروز قرار گرفته اند.

رفقا در بحث پیرامون چگونه می توانیم تحقق استراتژی فوق، می نویسند: "به نظر ما نخستین کار برای رسیدن به این هدف، نشان دادن چهره تاپایان انقلابی و بیگیر حزب طبقه کارگر از طریق بردن برنا مهای مستقل خود به میان زحمتکشان بود." این حکمی است که ملاحظه می شود، اما سؤال این است که منطقی است از "برنا مهای مستقل چیست؟ اگر منطقی مسائل اجتماعی - اقتصادی مطرحه در برنا مهای حزب است - که ظاهر از نوشته رفقا این معنی میسر می شود... در آن صورت کدامین رابطه با ما بین این برنا مهای اجتماعی - اقتصادی و امر قدرت سیاسی برقرار کرده اند؟ استقلال برنا م در تاص میست آن بخدوش نگرسید؟ لنین به این مسئله به روشنی پاسخ گفته است، از جمله پس از استقرار حکومت کرسکی، لنین ضمن تاکید بر ضرورت تحقق اطلاعاتی نظیر "روزگار ما عتسه، زمین برای دهقانان، نه برای کرسگان و صلح، قدرت سیاسی ضروریست انجام آنها را به دقت مشخص نمود و نوشت:

"حکومت "حدید" کرسکی، او کسب و شکار، تنها برده ساری است برای کار کادتها، فدا انقلاب و گروهی ای نظامیان که کاملاً تاص حب کرده اند، بدون تابودی کامل فدا انقلاب، خلق به صلح دست نخواهد یافت، دهقانان زمین نخواهند گرفت، کارگران را روزگار ما عتسه نخواهد رسید، کرسگانان بدست نخواهند آورد. بگذار این گفته شود، هرگامی در تکامل حوادث صحت آن را تأیید خواهد کرد." (۵)

مسئله قدرت سیاسی مسئله اساسی تمام انقلابهاست. تاریخ انقلاب جهانی این حقیقت را بارها و بارها اثبات نموده است. با بدر برنا مهای طبقه دیالکتیکی بین مساله قدرت و ملاحظات اجتماعی - اقتصادی عمیقاً روشن گردد. تمام مساله ای که لنین در تراه آوریل ۱۹۱۷ بدان پرداخت دربار کسب قدرت بوسیله پرولتاریای انقلابی و حزب آن و در باره کار نمودن و هماهنگ نمودن توده های عظیم دهقانان و پرولتاریای سا پرولتاریا و حزب بیگرا هتکس بود تا بدین طریق پیروزی و پیشروی انقلاب متحقق گردد.

ما در پلنوم وسیع گفتیم که "کمیته مرکزی سازمان... بدون برخورد انتقادی لازم برنا مهای حزب توده ایران به منطبق کردن برنا مهای موشی سازمان با آن پرداخت و سپس این جمع بندی را ارائه دادیم که: "خط فکری و سیاست سازمان طی دوره فوق (در سالهای ۶۰ و ۶۱) تصمصم برنا م مصوب خرداد ۶۱ بود. این برنا مها تجارب را از مواضع مستقل طبقه کارگر برده است. روشن است که این نتیجه قبل از همه از بررسی نوع رابطه قدرت سیاسی و مسائل اجتماعی - اقتصادی مطرحه در برنا م مصوب خرداد ۶۱، با تکیه بر اندیشه های با یای لنین بدست آمده و پلنوم وسیع در موازات متعدد، از جمله در موازات در زیر این نکته را مورد تاکید قرار داده است: "ما به تاج جناح اصلاح طلب هیات ها که گرا نیز نه املاجاتی که مطرح می کرد، بلکه رژیمی که مستقر کرده بود نشان می داد." و "در دوره ای که از تصویب قانون اساسی به غایت ارتجاعی جمهوری اسلامی تا آغاز یورش پرولتاریا و خویشین رژیم برای تابودی کامل آزادیهای سیاسی در ایران است ۶۰ بطول انجام مید، سیاست ما می بایست همچنان عدم پشتیبانی از حکومت، مبارزه علیه آن و نبرد برای ایجاد آلترنا تیوا انقلابی به منظور انتقال قدرت سیاسی به این آلترنا تیو بود... باید توده ها را تا تکیه به خواستهای مشخص آنها و از طریق افشا همه جانبه مواضع و سیاستها و اقدامات فخری رژیم می نمودیم. هر یک از تا کتیکهای ما می بایست چنان اتخاذ می شد که در تعریف قدرت و نفوذ و جانشینت کاملاً موافق خمینی... مؤثر واقع می شد. سازمان می بایست شعار تاصین آزادی سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم را که کل رژیم در بر می گرفت به شعار اصلی تبدیل می کرد... و تکیه بایست دفاع و بیگیر از خواستهای مردم جهت انجام املاجات اقتصادی - اجتماعی می کشیدیم برچم خود ما را بیشتا پیش آنها برافرازیم. باید یکدم در منته بسودن املاجات، تا بیگیری رژیم، بی سراجا می اقدامات آن و هدفهای ارتجاعی حکومت خمینی در طرح این املاجات را افشا می کردیم."

تمام تا کیدها ت فوق این نکته را مدخل می سازند که راه برنا مهای اجتماعی - اقتصادی (هر انداز هم علماً تنظیم شده باشد) و تبلیغ و ترویج آن در میان مردم، ما دام که به مسئله قدرت سیاسی پاسخ صحیحی داده نشده باشد نمی تواند از جناح افوا مواضع مستقل طبقه کارگر پیگیری نماید، چنانکه می نمود. لذا تکیه بر "برنا مهای مستقل" اجتماعی - اقتصادی به منظور دفع از استراتژی حزب به نفع ما را به نفع دیده گرفتن رابطه دیالکتیکی بین قدرت و سیاست اجتماعی - اقتصادی می منجر خواهد شد.

رفقا ضمن تشریح راه طی شده سؤال می کنند که "اگر این راه درست بود، باید راه صحیح و عملی را نشان داد." پلنوم وسیع علاوه بر مطالب پیش گفته، از جمله در عبارات زیر این راه را نشان داد است: "در این دوره سازمان،

ویژه ۷۰مین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

سخنرانی رفیق فرخ نگهدار در بزرگداشت ۷۰مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

رفقا و دوستان کرامی!

انتخاب دادا مکه زوی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همه اعضای آن فرار رسیدن هفتاد و دو سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را به رفیق میخائیل سرگیویچ کارباچف، به کمیته مرکزی، به حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی میمانا نه تبریک بگویم. این جشن جشن همزحمتهای دنیاست و از آنجا که این تریبون میمانا نه ترین تبریکات سازمان خود را به مناسبت فرار رسیدن این سالگرد فرخنده به همه رزمندگان راه صلح و سوسیالیسم در همه کشورها ابراز نمائیم.

دنیای ما در جانی به سوی پایان ندهیده بیستم میلادی نزدیک می شود که تحولات بسیار عمیقی سیاسی زندگی بشر را در گون می سازد. مروری بر سیر عوامی تحول سیاسی و اجتماعی طی سده بیستم گویای این حقیقت است که از زیربوی اکثریت سوسیالیستی و ثنائی اکثریت در تحول جامعه بشری و در سمت دهنی سیر عوامی رویدادهای تاریخی در دنیای ما روبه گسترش و افزایش بوده است.

موفقیت عظیم و تاریخی خلق شوروی در تحقق اندیشه مارکس، انگلس و لنین، در زمینه ایجاد دیکتاتور به کلی تازه برای زندگی اجتماعی به نام سوسیالیسم و در تثبیت و تحکیم و تکامل و توانمندسازی عظیم سوسیالیسم در تحقق آرزوهای دیرینه بشریت سرچشمه عمده نقی و نا نیروی امروز است. تاریخ معاصر ما را مستقرا و استقرار و طرازی آن گسترده است.

میان آغاز این معجزه شخصیت و احترام و حیثیات و سرسخت انسان زحمتهای لگدال مطامع مصادی اقلیت سرما به دار نیست و زمین کردن شعار از هر کس به انداز استعدادش و به هر کس به انداز کارش، برابری ملل، ریشه کنی بیگاری، سرخورداری ارتق تحصیل و درمان را بگان در تمام سطوح، تا مین حقوق داشتن مسکن تقریبا رایگان و غیرنقش تعیین کننده در راه ساختن دنیای آزاد نسیم، همه همه دستاورد های عظیمی است که فقط انقلاب اکثریت را گشای تحقق آن گردید.

آری انقلاب اکثریت سوسیالیستی در ایران دیرینه بشریت برای دستیابی به جامعه متمدنی بر سر عدالت اجتماعی، برای شریک شدن در تمامیات اجتماعی، برای رهایی از ستم، این کربدترین و دردناک ترین فاجعه جامعه بشری و ابدی کردن صلح روی زمین بوده است.

بدین ترتیب علیرغم آنچه که سا لیاست از طرف دشمنان سوسیالیسم تا عهد داده می شود، آرمان اکثریت و ماچ سوسیالیسم فقط در خدمت یک بخش از جامعه یا یک بخش از جهان نبوده و نیست، آرمان اکثریت تغییر یافته هستی اجتماعی به سود انسان زحمتهای است.

در جهان کوچکی که سیر تکامل آن سویه انقلاب علمی-فنی سرسخت سا کنیا ش را هر روز بیشتر به یکدیگر میزند، نیا ره حفظ زندگی روی زمین و رها شدن از سیم نیستی که خطرناک جمع گرما - هسته های آرا به وجود آمدن می زند، نیا زیگ بخش از زمین با گروهی از کشورهای آن نیست. صلح نیسیساز واقعی و بیگانه را هر روز میضای تمام بشریت است.

امروز این سوسیالیسم است که با روستولیت و ابتکار تاریخی برای تحقق این نیاز بزرگ همه بشر را با اعتماد دو اطمینان بسیار برعهده خود یافته است. این هرگز نشانه ای نبوده است که اولین پیام اکثریت به صلح، پیامی بشری برای

همه بشریت بوده است. رویدادهای در حال گسترش نشان می دهند که ابتکار تاریخی اتحاد شوروی که بر مبنای تفکر سیاسی نوین گسترش می یابد، راه را به سوی قطع مسابقه تسلیمات، کا ش و رفع خطر جنگ هسته ای و به سوی دستیابی به جهانی عاری از سلاح هسته ای با قدرت و توان بیشتری می کشاید. تفکر سیاسی نوین دورا نديتا نه و مسئولانه در جستجوی و خواستار رواج به بین و همکاران در مقابل بین المللی در راه رفع نيازها شای است که زمان در مقابل تمام بشریت قرار داده است.

بیگاری علیه عدالتی هاشی که در نیا روی سواد مناسبات اقتصادی بین المللی و در بخش عمده های از جهان ما تنیده شده است در جهت ناممکنات مساعده، غلبه بر اوضاعی که محرومیت و کورنگی را نصیب اکثریت مردم جهان ساخته و تسلط بر منابع و امکانات عمده رشر را در جنگ گروه معهود کشورها و سرمایه داری به شرف قرار داده است یکی از آماج های بزرگ اکثریتی از ارکان منسی اتحاد شوروی است که تفکر سیاسی نوین امکانات مساعده برای آن فراهم می آورد.

بیشرفت در راستای این ابتکارات به سود منافع همه خلق ها و از جمله منافع مردم میهن ما است، خلق ها ش که از وضع موجود نگرانند و از رنجش می برند، به همین دلیل فدائیان خلق ایران مشی صلح جویانه و عدالت خواهانه اتحاد شوروی در عرصه بین المللی را مورد تأیید و پشتیبانی قرار می دهند. نوسازی به مناسبت به روند انقلابی و فراگیری کده نیا و اکثریت، و اهرام ملی بیشترند یعنی گسترش هر چه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی در تمامی عرصه های حیات جامعه بشری همانگونه که در سیم هفتمین کنگره حزب نیا شرح گردیده است، پاسخی است نیا سسته به نياز زمان و به آرمان اکثریت.

شجاعت و ابتکار و دورا نديتي رهبری جامعه شوروی که با درک نياز زمان و برای حل مسائل کلیدی زندگی دریا بر مردم شوروی قرار داده است. مسئولیت و رسالت رهبری روند انقلابی نوسازی را بر عهده خود گردانیده است، کا ملا قابل درک و عمیقاً شایسته است. در بیشتر دروند نوسازی درجه بالایی اعتماد و اتکالی متقابل بین حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی که پیوسته گسترش هر چه وسیع تر اصول لنینی علمیت و دموکراسی تعیین می شود و تحکیم می یابد، بسیار آچوننده و شورانگیز است.

رفقا و دوستان عزیز! برای ما مردم ایران انقلاب اکثریت را معنی استقلال و تحکیم حق حاکمیت ملی را هموار کرده است. در طبیعت اکثریت گلیه متیارات دولت روسیه تزاری در ایران نوشوده و در طول این ۷۰ سال نیش سوری سوسیالیستی همواره پشتیبان مبارزه مردم ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع، برای استقلال، دموکراسی و عدالت و پیشرفت اجتماعی بوده است.

مردم ایران هرگز خابت اتحاد شوروی از انقلاب فوریه ۷۹ و هندا ره موقع دولت شوروی به محافل امپریالیستی در زمینه عدم خلد را مورد اخلی ایران را فراموش نخواهند کرد. مردم ما همواره به خاطر هندا نشد که چگونه اتحاد شوروی استوار می همواره جنگ ایران و عراق را میجسا بی ممانشاسته و ما تا زوهم دادمان را به سود محافل امپریالیستی دانسته و قطع بلادرنگ آن را خواستار شده است. اتحاد شوروی خود ستار رخسار جوری نیروهای صلح آمریکا و متحدان از خلیج فارس و جایگزینی نیروهای سازمان ملل برای تضمین امنیت کشتیرانی است. این موضع گیریها

با استقبال وسیع ترین گروه ها و محافل اجتماعی کشور ما مواجه گردیده است. اینها همه موضع گیریهای شایسته و اصولی است و با سیاست و اهداف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کاملاً انطباق دارد.

خلق ایران در بیگاری رجا طراستقلال و دموکراسی و عدالت و پیشرفت، تاریخی در شان دارا مساعیر غم آن میهن ما امروز یکی از دشوارترین مراحل حیات خویش را پشت سرمی گذارد. سالهاست که ما همه خا نسا سوز جنگ ایران و عراق و نطقی مردم فارا نا بودمی کشید. این جنگ امنیت منطقه را بر هم زده و به منبع تهدید جدی برای صلح جهانی تبدیل شده است. مردم کشور ما آزادانه و عمیقاً متفردند. صلح مبرم ترین خواست مردم ما است.

لگدال شدن دموکراسی و نقی شدن ابتدائی ترین حقوق و موازین دموکراتیک در کشور ما طیف وسیع اقشار و طبقات اجتماعی ایران را در مقابل وضع موجود قرار داده است. کشتار و زندان میهن پرستان و صاحبان افکار روشنفکری، سرکوب خلق کرد و دیگر اقلیت های ملی و مذهبی، ایستادگی و تحمیر زندان، بیگاری و شکنجه و بیگاریان فرهنگ و هنر ملی و مترقی، زندگی مردم میهن ما را تیساه می کند. ستم، ظلم، بیگاری در سال های جاری بویسزه به صورت اخراج و بیگاری کردن وسیع کارگران و خانه خرابی و افلاک دهقانان ایرانی هستی زحمتهایان میهن ما را به نابودی می کشاند.

فدائیان خلق ایران علیه این اوضاع دردناک به نبرد برخاسته و تا مین صلح و آزادی را مقدم ترین وظیفه خود قرار داده اند. فدائیان به خاطر این بیگاری رز سوز ترین بیگاریها قرار گرفته اند و فقط طی سال گذشته بیش از ۱۰۰۰ نفر از اعضای سازمان شنائی و به زندان افکنده شده اند. طی این مدت عده ای از رفقای ما نیا پدید عده ای در زندان بسده جوخه عدا سیر شده اند. این وضع مختص سازمان نیست، همه نیروهای دموکراتیک ایران تحت ستم بیگاری و سرکوب خویش قرار دارند. ما می گوئیم همکارانی همه نیروهای دموکراتیک کشور وسیله ساز با زکشت صلح و استقرار دموکراسی در میهن ما کرده.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می گوید همه نیروهای صلح دوست و آزادخواه ایران در یک جبهه وسیع متحد شوند. ما به رها ش مردم میهن خود از روزهای صلح و خونباری که در آن اسیرند عمیقاً ایمان داریم.

فدائیان خلق ایران به نام مردم خویش از این تریبون به همه نیروهای ترقی خواه جهان می پیام می دهند: دوستان عزیز، برای قطع جنگ مصیبت را میان ایران و عراق، برای نجات جهان هزاران زندانی سیاسی ایرانی، برای استقرار صلح و دموکراسی در میهن ما از خواست و میبارزه خلق ایران پشتیبانی کنید.

رفقا و دوستان ارجمند! بنام همه فدائیان خلق ایران، ضمن قدردانی از حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی بار دیگر فرار رسیدن هفتاد و دو سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را به همه کسانی که در راه آرمانهای اکثریت در صلح، در راه عدالت، در راه تریب ترقی و پیشرفت اقتصادی-اجتماعی و به همه کسانی که در راه تحقق آرمان های دیرین نوع بشری رزمند، صمیمانه تبریک می گویم و برای همه شما پیروزی و شادگامی آرزو می کنم.

این سخنرانی در روزنامه "ترود" چاپ شده است.

سخنرانی رفیق فرخ نگهدار در چارچوب دیدار نمایندگان احزاب و جنبشها در مسکو

رفیق میخائیل سرگیویچ کارباچوف!

رفقا و دوستان کرامی! سرگزاری این دیدار که نمایندگان ۱۷۸ حزب و جنبش سیاسی از ۵ قاره کره زمین در آن گسرد آمده اند بسیار مونس مائلی که به بحث آرا ضرور می دانند، آزادانه به مبادله نظر بپردازند، به مدها بتکار شجا نه و با اهمیت حزب کمونیست اتحاد شوروی ایگان پذیر گردیده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از حزب کمونیست اتحاد شوروی و شخص رفیق میخائیل سرگیویچ کارباچوف به خاطر این ابتکار قدردانی می کند. نکته جالب توجه در این دیدار وظیفه وسیع شرکت کنندگان آن و وضوح عقاید است که اسیراز می شود. بنظمی رسد اولین بار است که جنبش جمع وسیعی از نمایندگان احزاب سازمانهای کشورهای مختلف جهان به بحث یک میز گرد آمده اند. این جمع را یک امر مشترک متحد می کند، اسیر

دفاع از صلح. همه آنها برای حل مسائل حیاتی که دریا بر زحمتهای کشورشان قرار داده، مبارزه می کنند. برخورد متفاد آنها در سیمباری از مسائل، مانع از آن نیست که به شیان نظر میمان خود بپردازند. شرکت کنندگان این دیدار به خاطر حفظ صلح، به خاطر نجات بشریت از فاجعه هسته ای، به خاطر نجات محیط زیست، به خاطر تریب تریب نژادی، به خاطر مین حقوق بشری و فراتر از نظم نوین با دلان اقتصادی مزارق می کنند. در زمینه دستیابی به اشتراک نظر در زمینه این مسائل مهم گام های جدید و مهمی برداشته شده است. با تفکر می کنیم که همکاران در زمینه حل این مسائل نه تنها ممکن، بلکه برای کا ملا ضروری است.

فضای دموکراتیک حاکم بر این دیدار به گونه ای است که هر یک از نمایندگان آنجا که لازم می آید، نند نقطه نظر خود را با صراحت بیان می دارند و نگران آن نیستند که بیان نظرات در مناسبات آن با یکدیگر سر خدشای و آرا در دست در دفاعی اعتماد متقابل

و در فضای صمیمانه تریبان داد. ما فدائیان خلق از دیدار رجا فرکه ایگان کسب تجربه مفید برای مبارزه انقلابی را فراهم می آورد، استقبال می کنیم. خلق ایران امروز از تجربه انقلاب فوریه ۱۹۷۹ برخوردار است. این تجربه می تواند هم برای کشورهای در حال رشدی که ما لهر نشاند سیر - صلح سرما به داری وابسته و همه خصیصتهای منفی آن مواجه هستند و هم برای کشورهای که در نیا نضت های مذهبی-قشری روحانیت وجود دارد، مفید باشد. ما که در راه صلح، دموکراسی، استقلال و پیروزی به سوی سوسیالیسم مبارزه می کنیم، برای شاد نظر ارزش عالی قائلیم و از استقبال می کنیم.

بسیاری از سخنرانان در این دیدار از گسترش روندهای تازه هم در جهان سوسیالیسم و هم در جهان سرما به داری سخن گفتند. جهان کنونی در حال تغییر است. ما با این نکته موافقیم که در جواب بقیه د صفحه ۱۴

ویژه ۷۰مین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

سخنرانی میخائیل گارباچف رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی در دیدار با نمایندگان احزاب و جنبشهای شرکت کننده در مراسم بزرگداشت ۷۰مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

رفقای محترم، دوستان گرامی

با دیدگر به شما درود می فرستم و این بار به مناسبت شرکت کنندگان در این دیدار ما آن که از هر نقطه نظر غیر عادی است و آن تغییرات زرفی را که جهان ما را از سر می گذراند، با زتاب می دهد. فرمت را می بینم تا آنجا که شما به خاطر آن که به کشور ما آمدید و در جشن های ما شرکت کردید، تشکر کنم. این امر برای ما هم افتخار و هم حمایتی است بزرگ. رفقا و دوستان گرامی! همه شما در اجلاس رسمی ویژه هفتاد و دو سال سالگرد انقبا خود را شنیدید. این امر مسرا از حقیقت مجدد در مورد مسائل خودمان معاف میکند در این جلسه می خواهم برخی ملاحظات را در ادا ما آنچه که در گزارش گذشته ام، در میان بگذارم.

زمانی که موج نیرومندا انقلابی فروخواهید، و اولین زودتر از دیگران همه سخنرانی حرکت به سوی آن اهداتی را که به نظر خیلی ها انقلاب اکتبر آن قدر نزدیک کرده بود، دریافت. ایده نپ او، ایده دیگرش یعنی کمونیستی مسامتت میزرا از عرصه های کما بعد برای ما سیاسی و حتی دیپلماتیک بود، به عرصه قوانین بنیادین دوران نشان داد. راست این است که در این مبدع، گاهی نظراتی دیگر دست با لایبید می کردند. اما اکنون دیگر بر تالی برای فریب تا ریخ که گاهی بنا را نه بر واقعیت بلکه بر آنچه که دلخواه ما بود، می گذاشتیم. قاطعانه ما شوق آمده ایم. ویژگی های رشد تو تکامل جهانی که طی تمام دوره بعد از جنگ انباشت می شدند و نتایج می یافتند، در سال های ۸۰ به طور بارز نمودار گردیدند: قبل از همه ویژگی های عصر هسته ای که مساله خودیقا بشریت را پیش کشیده بود، سپس روند پیروزی شدن روابط اقتصادی جهانی و تشدید وابستگی متقابل کشورها و خلق های جهان - روندی که از انقلاب علمی - فنی معاصر نیرو می گیرد - و شکل گیری یکبارگی جهان در عین تنوع و متفاوت بودن آن. و با لآخره حدت با بی مسائل جهان نشمول، مسائلی که خود قاطعیت بیولوژیک تطابق انسان با فطرت، شتاب و تنش های هستی معاصر را به یکبارگی قرار می خوانند.

این همه، مضمون ایده همزیستی مسامتت میزرا در جوهری جدید روشن بی سازد این خود از زینت های سیاسی، تحلیل جدید و با زینتین وظایفشان و غلبه بر شما ها و الگوهای موجودا بیولوژیک را طلب می کنند. این هم کاری است دشوار. هیچ کس نسخه ما ده ای ندارد. مشکل کسی بیسمانی در اختیار داشته باشد که بتواند خورج از لایبرنت (دالان بیسمانی) (پیچ) جهان متفا دکنونی کمک کند. ما ضمن طرح ایده ما میمان در مورد تفکر یون به هیچ وجه مدعی در انحصار داشتن حقیقت نیستیم؛ ما خودمان در جستجوی دیگران راه مدعوت می کنیم تا به اتفاق به جستجوی راه های بیبرداریم که شریعت بتواند از میدان زمین گذاری شده ای کمونیستی گذر کرده، به قسرن ۲۱ به جهان غیر هسته ای و عاری از زور و ترس آید. البته در چشم انداز تاریخی، همان سوسیالیسم است که به تعیین کننده رادر فغ نقاط بحرانی که در رشد تو تکامل تمدن پدید آمده اند، ما خواهد کرد. عقدا دنیا چنین است. همانا این نظام قاطعیت با لقیه آن را دارا در کجه سطحی و ثور بی جستجوی آن "اندازه" هکلی و آن تعادل منافع تا شریکدار در کجه شریعت امکان خواهد داد. به سطحی اصولا متفاوت و نجات بخش برای جامعه شری قرار خواهد آمد.

در ماهیت امر، زرف ترین انقلاب اجتماعی در جریان است که سرچشمه های آن هم به اکتبر ۱۹۱۷ بر می گردد. اما دوام، تا زگی و بنا موزونی این انقلاب لقیق و همزیستی پیشرفته و "پس غلت ها"، و جابجائی و ترتیبناط متقابل روندهای انقلابی و تدریجی آن، هر شمای منطقی را که مطابقتی رسنا به های قدیمی تنظیم شده باشد، عقیم می سازد. منطق حرکت اجتماعی دوران هرچه آشکارتر می شود، جوهر این منطق در خود را اعتبار شدن مادی و معنوی جامعه مستحار می است. تنگناک تنفی در تاریخ سوسیالیسم، نه انبوه کتب نافیان ما رکسیم، و حدت و طرافت بلهیک ایدئولوژیک در جهان، نتوانسته اند این استخراج را نی کنند که برای سرمایه داری آلترنا تیوی وجود دارد. و این آلترنا تیوی بیسیالیسم است.

لیکن گونا گونی رشد همچنان باقی است. در هر حلقه زلزله نا ریسمان بروهای جهان کشته مکان آن را دارا در نده که خطرناک ترین تفا دهای لحظه معین حذف کنند و سیاست خود را تجدید بنا کنند. مثلا استفاد سرمایه داری از انقلاب علمی - فنی نیز همین گونه روی داد. البته آن تا گونیم های داخلی نظام ما به داری در هر مرحله جدیدی زولید می شوند، اما به شیوه ای جدید، به سه نهای دیگر.

از این گذشته، انقلاب تکنولوژیک تنها در همان آغاز خود است و بیامدهای ملی بهره گیری از آن به شیوه سرمایه داری در پیش است. پژوهش ثنوریکی این مجموعه مسائل نیز تنها در اندر شروع می شود. در پشت فرمول متداول فنی مستمر بحران عمومی سرمایه داری، تا زده را در جوهر آنچه که از پیش بینی های آس می که بگذریم - در شیوه تولید به واقع می پیوندد، نمایان می گردد. این نکته نیز که سوسیالیسم واقعی فعلا به لحاظ سطح رشد تو تکامل بیولوژیک از سرمایه داری عقب مانده است، نیل به سطح نوینسی از درک ندها را مانع می شد. زمینه های رفغ این عقب ماندگی در جریان نوسازی قلابی جامعه سوسیالیستی و گذران به وضعیت کینیتا نوین، فراهم آید. اما همانا این جامعه، یعنی جامعه فردا، همان ترا زعالی تری از سیالیسم است که به کمک کسان می خواهد مذکه در بی آلترنا تیوی اجتماعی شوند.

اگر توجه کرده باشید من در گزارش خود در اجلاس رسمی از دوتجلی به ویژه رنا که قاطعیت مندی های سرمایه داری در صحت کردم - نظامی گری و مبادلتی امعادال با جهان روهیروند. لیکن این پذیردها تنها به مددیک سیاست دولتی خور، امکان پذیرند. و این سیاست هم تا زمانی مور دیشتیانی قرار می گیرد و حجت در برابر "خطر شوروی" با پر جاست، تا زمانی که این اعتقاد در اذهان کرده است که منافع ملی "اطلی" داریم و منافع ملی در جه دوم، در سیاست نتفا دهجانی "سوزگت" ها می هست و "بزرگت" ها می، یعنی فضایی مستقیم است. نوسازی ما با تمامی بیامدهای بین المللی اش و حجت در برابر "خطر شوروی" در هم می کشند و میبایست با پیوسته سیاسی خود را از دست می دهد. غیر قاطعیت بل بودن و هلاکتباری ائتلاف منافع جهت تسلیحات نیز، هم در قبال خطر یولوژیک و هم در رابطه با رشد بیگاری که در دور جدیدا انقلاب علمی - فنی به

مساله ای که ملامت مهم و نسبت به گذشته تبدیل می شود، هرچه آشکارتر می گردد. سیستم مالی نیز که تا بحال تا فضا رسا بقه تسلیحاتی، بدهی های نجومی دولتی و خودخواهی هژمونستی اقتصادی را ندارد، علامت خنمی می دهد. از سوی دیگر، تحرک جدیدها می بخشی که در مرحله کنونی در "جهان سوم" (در رابطه با خود این اصطلاح من با نظر سخنران قبلی روبرو ام. موافقم در حال شکل گیری است نشان از آن دارا در کجه کشورهای روبه رشد در روابط اقتصادی جهانی موقعیت برابر پیدا نکنند، اگر ایده نظم نوین اقتصادی جهانی به جا عمل پوشیدن آغاز نکنند، و اگر حل مساله "خلع سلاح برای رشد" در دستور اجرا قرار داده نشود، انجاری رخ خواهد داد.

در چنین راستا ها می از روند جهانی هم هست که شکل گیری "نوده بحرانی" - که مساله بودن یا نبودن تمدن را طرح می کند و بر همه آنچه که در جهان روی می دهد، تا شری می گذارد - در جریان است. اکنون دیگر نمی شود رشتو تکامل جهانی را صرفا از نقطه نظر مبارزه دو سیستم اجتماعی متفا دور بررسی قرار داد. دنیا لکتیک این رشتو تکامل عبارت است از وحدت، تقابل، مسابقه و همگاری کثیری از عوامل. در همین همگاری جامع مختلف است که هر یک امتحان خود را پس می دهد. البته این امر به معنای نوعی اتحاد همگرا می نیست.

ما یک سروزن ما را از روش های راستین سوسیالیسم عقب نخواهیم نشست. برعکس، بارها کردن خود از همه آنچه که مفهوم بشر دوستانه نظام ما را قلب می کرده است، این ارزش ها را غنا خواهد بخشید و رشتو تکامل خواهد داد. ما به هیچ وجه در بی آن نیستیم که دشمن طبقه ای را "تکته" ما بشود. ما املات "سازنی به این امر نداریم. ما روی این حساب می کنیم که زندگی او را وادار خواهد کرد و رشتو تکامل را در نظر بگیرد و در کجه همه در یک قایق هستیم و با بی نظوری رفتار نکنیم که قایق از گون نشود.

برای سوسیالیسم در این راستا، هم منافع طبقاتی به مثابه نظام و هم منافع عمومی تری، به نوعی در هم می آمیزند و یکی می شوند. و برای سرمایه داری راه معقول دیگری جزمیستی و مسابقه وجود ندارد. تنها به اتفاق می توان خطر جهانی را "کولوژیک را تضعیف کرد و از بین برد. این مساله مدتهاست که مساله ای بین المللی تبدیل شده است.

همچنین به تنهایی مشکل بتوان مساله انرژی را نیز به طور ادیکال حل کرد تا جبهه رسیده بهره برداری از همه ثروت های اقیانوس جهان. و با لآخره حرکت به ارتفاعات محیط نزدیک کره زمین و از آن بالاتر، فضای نزدیک خورشید و ستارها، تنها از خرد جمعی بشریت بر می آید. بی آنجا که گفته شد، مسئولیت بین المللی نیروهای پیشرو در آن معا صر که جنبش کمونیستی مقامی شایسته و معتبر در میان آنان داشته و خواهد داشت، خیر ترا زهرمان است.

در این میان می خواهم به نمایندگی از طرف حزب کمونیست اتحاد شوروی چند کلامی به آنچه که بیروز در گزارش گفته ام، اضافه کنم. همانند بسیاری از دیگر پدیده های جهان معاصر، جنبش کمونیستی به نوسازی و تحولات کیفی نیاز دارد. امروز به ویژه اهمیت دارد که این جنبش نه تنها نیروی ملی، بلکه به لحاظ شریعت خود نیروی بین المللی است. چنین نیروی برای شریعت معاصر به ویژه ضروری است. تا آنجا که به حزب کمونیست اتحاد شوروی بر می گردد حزب ما به برتا و کارهای درونی خود را از من بین المللی و البته خارج از انبساط با آن اهمیتی که این برتا به ما برای برادران آرمانی ما و کلا برای نیروهای پیشروا رشتو فنی می توانستند داشته باشند، نمی ندیدیم. ما خودمان عمیقا احساس کرده ایم که چگونه در دور هر کودا، تحرک بین المللی سوسیالیسم گامی می شد. بنا بر این نوسازی این نقطه نظر هم را در تحماد جما هیر شوروی سوسیالیستی ضرور گردید. ما به اهمیت کار خود در مرحله جدید نه تنها به لحاظ سیاست و اقتصاد جهانی، بلکه همچنین به لحاظ تقویت معنوی نیروهای سوسیالیسم دمکراسی و پیشرفت کلا واقف هستیم.

لیکن تنها فعالیت موازی در کشورهای خود کافی نیست. همگاری هم، البته در اشکال امروزی، ضروری است. فرهنگ مناسبات متقابل کمال تری - اگر بتوان چنین بیان کرد - میان نیروهای ترقی خواه مورد دنیا است. آن چنان فرهنگی که در دردمان نباشن تمام تحریکات متنوع را امکان پذیر سازد و درک جهان بپرا مون با همه رنگارنگی و تفا دهای آن با بی رسنا نند. "تبختر طلایی" ما و همه از آن می توانیم استفاده را در دست و پا ست و حکایت از اعدا دت حان سخت نفی فوری نقطه نظرات دیگر دارد. در این حالت نه دای لوگ و نه سنجی شریعت با شمی گیرد، و مهمتر از همه آنکه، به کار لطمه می خورد.

همان گونه که در ابتدای قرن نهمیست تمامی احکام ما رکن وانگلس به طور دگما تیک به عصر امپریالیسم بسط داده می شد، همان گونه هم به طور اولسی نمی توان با کمک احکامی که در سال های ۵۰ و ۶۰ و حتی ۳۰ پدید آمده اند، دوران معاصر را ارزیابی کرد. با بدمیراث ثنوریک را که توسط پیشینیان ما به ما مرها می اجتماعی انسان فراهم آمده است از نخوانند و به گونه ای، که امکان دهد تحلیلی دقیق از واقعیت های جدید دست آورده، به مطلوب ترین استنتاجات صحیح سیاسی ممکن برسیم.

درکات و اش آلترنا تیو بر بنا مادی برای جامعه آشتا گونیستی و تشنج تقابل میز در عرصه جهانی، بسیاری مسائل با یه جواب داده شوند. حزب ما و نیروهای تئوریک و علمی آن ضمن رها ساختن خود از تصورات و شمای مولود زمانی متفا وت و مکانی متفا وت برای خلاقیت، مطالبه این مسائل را به بطور جدی آغاز کرده اند.

مانه تنها احزاب برادر، که سوسیالیستها و سوسیال - دموکراتها، نمایندگان سارجریان های اندیشه و عمل سیاسی، و همه کسان را که دستاوردهای روح انسانی را عزیز می دارند و می خواهند با ستاوردها را برای نسل های آینده حفظ کنند و مورد استفاد قرار دهند، به همگاری و کوشش مشترک دعوت می کنیم. این کار برای درک شرایط جدید که در آن نوسازی تمدن با وظایف تا مین بقا نوع بشر در هم تنیده شده است اهمیت حیاتی دارد. تفکرتوین، اخلاق نوین و روانشناسی نوین نیز هست. این تفکر متوجه آن است که هر انسان در حالی که همچنان یک شهروند کشور خود، عضو حزب خود و عنصر فعال هر جنبش ترقی خواه ملی است، با پیدا ز مسئولیت در قبال آن که کل جهان به کار خواهد رفت و با سا آیا جهانی در کار خواهد بود یا نه، سرش را نشود.

نهائی تحولی دارای اهمیت اصولی بوده است. کلکتیویزاسیون در حکم تغییر بنیادی تمام ساختار زندگی بخش اصلی اهل آن کشور، برپا یه سوسیالیستی بود. کلکتیویزاسیون زیربنای اجتماعی مدرنیزاسیون بخش کشاورزی و انتقال آن به مسیرزراعت پیشرفته را ایجاد کرد و امکان داد تا بهره دهنی کار به سطح چشمگیر ارتقا یابد و پیشرفت قابل توجهی از نیروی کار که برای دیگر عرصه های ساختمان سوسیالیسم موردنیاز بود، آزا دگر دود، همدا یینا اثرات تاریخی داشته است.

برای درک وضعیت آن سالها، باید در نظر داشت که سیستم داری - فرماندهی که شکل گیری آن در جریان صنعتی کردن آغاز شد و در زمان کلکتیویزاسیون تحرکی جدید پیدا کرد، در تمام حیات اجتماعی - سیاسی کشور با زتاب یافت بود. این سیستم از تشبیهات در ا قیما د، به روسیا همسایه سر تا گردو است که با بنیادهای دموکراتیک سوسیالیسم را محدود ندموده، پیشرفت و دموکراسی سوسیالیستی را مانع شد.

اما آنچه که در این لایحه، تمام مبرنجه دوره مزبور را توجیح نمی دهد، چه اتفاقی افتاده بود؟ دوره جدی ترین آزمون های آیدئولوژیک - سیاسی برای حزب عملا در پشت سر قرار گرفته بود، میلیون ها نفری شور و شوق به کار تحقیق و تحولات سوسیالیستی روی آورده بودند. اولین موفقیت ها داشت نمایان می شد، در عین حال، شیوه های الزامی دوره مبارزه با مفاومت خصمانه تطبیق با اشتراکگر به طور مکنایکی به دور ساختن مصلح میز سوسیالیسم، یعنی به زمانی که شبه شرایط اساسا عوض شده بود، سرایت داده می شدند. فضای عدم تحمل، خودمستی و بدگمانی در کشور بوجود می آمد، و پس این پرا تیک سیاسی با "نشوری" اشتباه پذیر تشدید میا زده طبقاتی در روند ساختن سوسیالیسم روبه بسط و استحکام گذاشت. این همه، تا تاثیر مخربی بر رشد و تکامل اجتماعی - سیاسی کشور برجسای گذاشت و در عین حال، به با و آورد. کما ملا آنکارا است که همین فقدان سطح لازم به دموکراتیزاسیون جامعه شوروی بود که همگیشخصیت، هم تقاضا سونیت وهم خودسری و تضییقات سال ۳۰ را امکان پذیر ساخت. به بیان مبرجتر، اینها به تنهایی و باقی برقیه بر زمین سو استفاده از قدرت بود، چندین هزار حزبی و غیر حزبی مورد سرکوب وسیع قرار گرفتند. رفقیا حقیقت تلخی است. به ما سر سوسیالیسم و توریته حزب لطمه ای جدی وارد آمد. ما با به این را با صراحت نگوئیم، چرا که برای تشبیهات قطعی و برگشتنا پذیرا آیدال لنینی سوسیالیسم ضروری است.

امروز بحث های زیاد در مورد نتایج استالین در تاریخما وجود دارد. شخصیت او به جا بخت متنا د است. از موفیق حقیقت تاریخی، ما با به دهم سیستم بی چون و چرای استالین در مبارزه با خرطوس سوسیالیسم و دفاع از دستاوردهای آن را به بیست و نهمی اشتباهات فاحش سیاسی و خودسری او و اشتباهات سیاسی را اشتباهاتی که همگیشما باقی سنگینی برای آن برداخت. اشتباهاتی که عواقب سختی برای حیات جامعه ما در برداشت. گاهی گفته می شود که استالین از موارد قانون شکنی اطلاع نداشت. استالین که ما در دست داریم، حکایت از آن دارد که این طور نبوده است. گناها استالین و طرفیانش از دیدیکش در مبارزه با حزب و خلق به خاطر تضییقات وسیع و قانون شکنی هایشان، عظیم و نا بخودنی است.

این درستی است برای همه ما. البته برخلاف ادعاهای دشمنان مسلکی ما، کمیش شخصیت گریزنا پذیر نبود. کمیش شخصیت با سرش سوسیالیسم بیگانه نمودن مخطی از اصول بنیادین آن است و لذا هیچ توجیحی بر نمی دارد. حزب درکنگر دیمستم و بیست و دوم، هم خودکیش شخصیت و همپی آمدهای آنرا را شدیدا محکوم کرد. ما در حال حاضر اطلاع داریم که تضییقات و اشتباهات سیاسی علیه شمارا از شخصیت های حزب و دولت، علیه بسیاری از کمونیست ها و غیر حزبی ها، علیه کارهای اقتصادی و نظامی و علیه دانشمندان و شخصیت های فرهنگی، نتیجه برنده های بوده است. در دوره بعدی و نیز پس از کنگره بیست و دوم، بسیاری از اشتباهات بر طرف شد و از هزاران کیفر خنده سی گناه، آگاه حقیقت کامل به عمل آمد. اما روزگاری عدالت با پایا ن پیش برده نشد و عملا در واسطه سالهای ۶۰ متوقف گردید. این طبع تضییقات بلنوم کمیش (سال ۱۹۸۷) کمیته مرکزی با دیدار دیگر به این سالها برپا زدیم، دفتر سیاسی کمیته مرکزی برای بررسی همه جا به نفاکت ها و اسناد جدید و نیز اسنادی که از قبل در این زمینه موجود بود، کمیسیون تشکیل داده است. بر اساس نتایج کار کمیسیون، تصمیمات مقتضی اتخاذ خواهد شد.

تاما این ها، درنگارشان تا ریخ حزب که تهیه آن به کمیسیون ویژه ای از کمیته مرکزی سپرده خواهد شد، با زتاب می یابد. ما این کار را با دیدانجام دهمیم. به عنوان جمع بندی عمومی دوره پس از لنین در سال ۱۹۲۰ و ۳۰ چنین می توان گفت: ما راهی دشوار و پرشمار را زضا دو یفرنجی، ما بزرگ و قهرمانه را پیمودیم. به فارشترین اشتباهات و نهنه تخطی از اصول سوسیالیسم نتوانستند خارج و کشور ما را زاری گناه انتخاب سال ۱۹۱۷. در پیش گرفته بودند، با زگردا نند. حرکت اکتبریش از این کبیر بود. ایده های سوسیالیسم که توده ها را فرا گرفته بودند، بیش از این نیرو مند و سوده شد. خلق و زور شرکت کننده امری سترگ احساس کرده به بهره گیری از نضرات کار روزگمیت خود آغاز نمودند. میهن پرستی خلق فزمنون نوین سوسیالیستی یافت. (کف زدن حاضر)

و این همه با نیروی تمام مدرآزمون های سخت جنگ کبیر میهنی سال های ۱۹۴۱-۱۹۴۵ ظاهر گشت. با اطمینان می توان گفت: سال های جنگ کبیر میهنی یکی از بزرگ افتخارترین و حماسی ترین صفحات زندگی حزب است که سطر سطر آن با شجاعت و دلآوری، و جانیازی و ایثار عظیم میلیونها کمونیست، رقم خورده است. (کف زدن حاضر) جنگ نشان داد که خلق شوروی، حزب، سوسیالیسم و اکتب - ستر تفکیکنا پذیرند و نیروی درجهان یافت نمی شود که بتواند این وحدت را درهم شکنند.

حماسه کار رستمدر سال های دشوار پس از جنگ، منبع دستاوردهای ما بود، منبع پیشرفت اقتصادی و علمی - فنی ما، منبع دستیابی به انرژی اتمی، برتاب اولین سفینه های فضائی و منبع رشد فزاینده مادی و فرهنگی خلق. اما در همین زمان - زمان قهرمانی نوین خلق به ما سوسیالیسم - تضاد میان واقعیتی که ما به آن دست یافتیم و شیوه های پیشین رهبری - هرچه محسوس تر نشان می شد. سوء استفاده از قدرت و نقیض قانونیت سوسیالیستی همچنان آدا مه داشت. "پرونده لنین گراد" و "پرونده پزیشگان" ساخته شد. کونا هسن، احترام راستین به خلق دجا رنظمنا ن بود. مردم ما از خودگذشتگی کار می کردند، می بوختند، دانش نورا پی می گرفتند و به دشواری ها و نارسانئها تن می دادند، اما احساس می کردند که همهمی و همیدر جا معه تکوین می یابد. و این همه بزودی پس از مرگ استالین آگاهی جا معه را فرا گرفت.

در واسطه سال های ۵۰ و به ویژه پس از کنگره بیستم، ح. ک. ا. ش. نسیم تغییرات بر فرار ز کشور به وزش در آمد، خلق روحی تازه یافت، جان گرفت و شجاع تر و مطمئن تر شد. انتقاد از کیش شخصیت و پی آمدهای آن و حیای ما نونیت سوسیالیستی، شجاعت فراوانی را از حزب و رهبری آن که "تیکیتا خروشت" در آن سال بود، طلب کرد. الگوهای پیشین سیاست داخلی و خارجی رو به

اخلی روی "سفت کردن پیچ و مهره ها" در بر خورد با دهقانان، روی استعمار بهار زروستا، روی به کارگیری شیوه های آداری - جنگی در ادارا و مورجا معه. تروکسکم جریانی سیاسی است که نظریه پردازان آن اگر چه خود را در عین ارت بر داری های چپ و شبه انقلابی می پوئانند، اما در واقع موفع تسلیم طلبانه استند. تروکسکم در ما هیبت امر، جمله به نظریه سیم در سرا سر جبهه بود. صحبت نملایر سر سر نوشت سوسیالیسم در کشور ما و بر سر نوشت انقلاب بود.

در این شرایط می باید است تروکسکم در میان مردم افشا و ما هیبت سوسیالیستی آن بر ملا شود. این که تروکسکم استالین در ارتخا دبا "اپوزیسیون ندید" به رهبری گی، زینه ویف و ل. ب. کا منف عمل می کردند، و وضعیت را بیجیده ترمی کرد. رهبران اپوزیسیون که می فهمیدند در اقلیت قرار دارند، با رها و با رها بحث های را با امیدیه ایجا دتفرقه در میان موقوف حزب، به حزب نحیل نمودند. اما حزب سرا نجا مه سود منی کمیته مرکزی و علیه اپوزیسیون غرظا دوا و اپوزیسیون به لحاظ ایده های و زمانه در هم شکسته شد. (کف زدن حاضر) بدین ترتیب هسته رهبری حزب که ژوزف استالین در راستی قرار داشت از جنبه سیم در مبارزه آیدئولوژیک دفاع نمود، استراژی و تاکتیک مرحله آغازین ساختمان سوسیالیسم را فرموله کرد و پشتیبانی اکثریتی اعضای حزب و حمتکشان ز می سیاسی را به دست آورد. نتکالی خود رین، فلیکس دن زروینسکی، سرگسی نیروف، گریگوری اوروینیکیدزه، بیان رودز تاگ، از جمله کسانی بودند که شرکت آیدئولوژیک تروکسکم نقش به سزای داشتند. (کف زدن حاضر) بیرون راهی انتقال دهقانان به سوسیالیسم نیز در راه و آخر سال های ۴۰ مبارزهای حاد در گرفت. این مبارزه در واقع بر سر برخورد ستقاوت اکثریت دفترسیاسی و گروه بوخا رین نسبت به کاربست اصول تسبپ در مرحله جدید رشد و تکامل جامعه شوروی بود.

شرایط مشخص همدا اخلی و هم بین المللی آن زمان، تسریع قابل توجه هتگ ساختمان سوسیالیسم را همچون وظیفه ای مبرم پیش کشیده بود. بوخا رین و بو دا را شین در محاسبات و احکام متشوریک خود عملا به معالمان زمان در ساختن سوسیالیسم در سال ۳۰، کم بها می دادند. موفع آنها عمدتا با تفکر دکام تیک رزیایی غیر بدی لکتیکی از شرایط مشخص تعیین می شد. هم خود بوخا رین وهم بو دا را شین به زودی اشتباهات خود را پذیرفتند.

در این رابطه ما در دتفریحی را که لنین از بوخا رین آرا شده بود، به یاد آوریم: "بوخا رین نه تنها ارزشمندترین و بزرگ ترین دشوربین حزب، بلکه به حق محبوب تمام حزب منزه است، اما نظریات او را خیلی تردید می توان ناملا ما رگسیت داشت، زیرا که او چیزی اسکولاتیکی و جسوسود دارد (ا و) با لکتیک راه رگزیانه موخته، و فکرمی کنم هرگز نهمیده است". زندگی با زهم بقا نیت لنین را تا آن حد نکرد.

حزب راه را تا آن زمان ناشناخته ای را برای صنعتی کردن پیشنهاد کرد: بیش راندن بلا درنگ صنایع سنگین بدون اتکاب به صنایع تامین مالی خارجی و بدون منتظر شدن برای انباشت چندین ساله از قبیل رشد صنایع سبک. این گناه را که منتظران شرایط و زمین حال راهی فوئالنا دهنده شو برای کشور خلق بود. این کامبدیعی بود که در آن شور و شوق انقلابی توده ها به ما به جزء خشک لای از رندا اقتضای در نظر گرفتند. صنعتی کردن با یک چشم کشور را به سطح کیفیاتی نوینی رساند. اتخا دشوری در پان دهمه ۴۰ به قدرت صنعتی اقتعا عظیمی تبدیل شد و به لحاظ عرفه محصولات صنعتی، مقام اول در اروپا و قادمومرادرجهان، از آن خود کرد. این کار کوشتی حماسی بود با همه اشتباهاتی که باقی تا ریخی، اما سکا رآزاد شده، جحاسه جز بشلوبک. (کف زدن حاضر) کسی که با چشمان باز به تاریخ نگاه کند و نتواند مجموعه واقیعت های داخلی بین المللی را در نظر بگیرد، حتما این سؤال برایش پیش خواهد آمد: آیا سکا ممکن بود در آن شرایط نو دیگری سوا ی از چه که حزب پیشنهاد کرد، در پیش برقت و اگر بوخا ریم در موفع تاریخگاری و حقیقت زندگی باقی بماند، سیم، بو اب تنهایی است؛ خیر، ممکن نبود. (کف زدن حاضر) در آن شرایط کسه حاسی خطر نسبت به حجاب و میرا لیبستی آنکارا افزایش می یافت، این اعتقاد و حزب تقویت و تشبیه شده که فاطمه میان پتگ و خیش دهقانان صنعت پیشرفته انجی توان به آرمی طی کرد، بلکه با به به سرعت و در کونا هترین مدت تاریخی ن را در نوردید، چرا که بدون صنعت پیشرفته، نیا بودی شما م را نقتسلا تریزنا پذیر سوسود.

در عین حال دوره ای که از آن محبت می کنیم، ضایعاتی نیز به ما آورد. بین ضایعاتنا د حتمی نیی همما ن موفیقت های که در با لا مدا رتیب داشت، برا که خیلی ها با ورگرده بودند. ساختار لیسم سخت رانی عمومی در دوشیوه های برمانده نیگوتنا ترین و پشترین را برای حل همه و هرگونه مساله است. بین امروزی برخورد با مردم شوریا یک زیست نا تاریخی گذاشت.

در رهبری حزبی و دولتی کشور، سیستم آداری - قهرمانه ای شکل گرفت و خوروکرا تیسیم روبه تشدید گذاشت - چیزی که لنین در زمان خود نسبت به خاطر هشدار داده بود. ساختار مدیریت و شیوه های برنامهریزی متنا بسط به سیستم تشریح و به شکل گیری کرد. در صنعت به خاطر آدان نا نهایش و به ناظران که تمام بی پروژه های اساسی ساختمان صنعتی در پیش رو بود، آیین بیوه ها و این سیستم مدیریت به هر ترتیب نتیجه داد. لیکن نظامی تا این اندازه سخت از تمرکز و فرما ندهی در حل مسائل مربوط به درگرونی روستا جا بزنیود. با به به صراحت گفت که: بزومینه برخورد دقیق لنینی نسبت به ما نسق هقا نا زحمتکش در مرحله جدید نقصان وجود داشت. و از همه مهمتر، با این واقیعت که دهقانان - به ما به بطریق - ظرف سال های انقلاب اسما با تغییر نرده بودند، به ای لازم داده شدند. در آن زمان، دیگر دهقانان میان حال به چهره ملی تبدیل شده بود. این دهقان زحمتکش که با انقلاب به زمین رسیده بودند، دیگر خود را صاحب میدانست و در طول یک دهه کار مل منتفا عدشه بود که حکومت نوری، حکومت و نیز هت. اوبه متحد و فنا رومطمئن طبقه کارگر تبدیل نرده بود، متحد برپا یه ای جدید، چرا که در عمل متوجه می شد که زندگی اش هر چه بیشتر به یهود می یابد.

امروز روشن است که: در این کار عظیم که به سر نوشت اکثریت اهل کشور بر می گشت، با زیست لنینی برخورد با دهقانان مخطی صورت گرفت. این روند جتسا می بسیار مهم و بسیار ریخج که بسیار از عوامل آن به شرایط مجلسی سنگی داشت، عمدتا با شیوه های آداری رهبری می شد. این اعتقاد به وجود مده بود که همه مسائل را می توان به یک ضرب و درگوتاهه ترین زمان حل کرد. بسیار ای مصلط و ایالات کشور ما بقه گذاشته شد که یک سریع تسبب سر لکتیویزاسیون کامل را به انجام می رسانند. دستور العملها که در صدمی خود سرانه زیلا لاما در می شدند. تقاضا حتی اصول کلکتیویزاسیون خلطت همه جا می پیدا می کرد. پیشتر به مبارزه علیه کولاک هم خالی از زاریا دهوری نبود. می محییج بنا رزه با کولاک ها، اغلب به خودی خود اشتخان وسیع تیسوری شده بخش قابل بوجی از دهقانان میان حال را نیز در بر می گرفت. واقیعت تاریخ ما بنین بوده است.

اما رفقیا، اگر در مجموع اهمیت کلکتیویزاسیون را در تحکیم مواضع سوسیالیسم در روستا، بررسی کنیم، با دیدگفت که کلکتیویزاسیون در تطبیق

فرهنگی که گذارند، کوشش‌هایی به عمل آمد تا شیوه‌های فرما ندهی - بوروکراتیک مدیریت که در سال‌های ۲۰ و ۴۰ شکل گرفته بود، درهم‌شکنند و به سوسیالیسم دینا میسبب‌تری داده شود. برارزش‌ها و ایده‌آل‌های انسانی تا کیدگردد و روح خلق لنینیست در ستوری و پرا تیک احیا شود.

تصمیمات پلنومینستا مبر (سال ۱۹۵۲) و ژوشیه (سال ۱۹۵۵) کمیته مرکزی ج.ک.ا. ش. سر با بودا ز قصد تغییر اولویت‌های رشد اقتصادی و به‌کارگرفتن انگیزه‌های کبیر دینفع بودن شخصی در تالیج کار را ربط داد. ا. ش. رندگشاور، مسکن سازی، صنایع سبک، عرضه مصرفی و هم‌آنچه که با رغای نیا زهای انسان مربوط بود، مورد توجه بیشتر قرار گرفت.

دریک کلام، هم‌درجا معشوروی و هم‌درنا سبات بین‌المللی تغییراتی در جهت بهبود در جریا ن بود. اما اشتباهات ذهن گرا یا نه‌فراوانی روی داده، اشتباهاتی که نیل سوسیالیسم به مرحله‌ای جدید را دشوار ساختند و از سبب آن لحاظ ایستارات ترقی خواهان‌ها را عقیم‌گذا رند. موضوع بر سر آن بود که مسائل کیفیتا جدیدی است که در جریا و صنایع با ختنان حزب اغلب با شیوه‌های را داده‌گرا یا نویه‌کمک‌گرا نیسیمی‌سی و اقتصادی کهنه‌حل می‌شدند، اما دلیل اصلی ناگامی اصلاحات گذار آن دوره به‌کار بسته می‌شد، عبارت از آن بود که این اصلاحات برانکشاف وسیع روندهای دموکراتیزاسیون متکی نبودند. در پلنوم اکتبر (سال ۱۹۶۴) کمیته مرکزی ج.ک.ا. ش.، رهبری حزب و کشور تغییر کرد و تصمیماتی اتخاذ شد که متوجه‌رغم گرا بیانات را داده‌گرا یا نیسیمی کج روی‌های سیاست داخلی و خارجی بود، حزب کوشید به ثبات معینی در سیاست دست یابد و آن را از واقع‌بینی و استکا پسر خود را سازد.

پلنوم‌های ما ریس وینستا مبر (سال ۱۹۶۵) کمیته مرکزی شیوه‌های جدیدی در رهبری اقتصاد عنوان کردند. رفرم اقتصادی ویرنا به‌های وسیعی در زمینه آبادانی مناطق جدید در شیوه‌های مولده تدوین و به‌کارگذا رده شد، اما پس اقتصاد در نخستین سال‌ها، اوضاع کشور را بهبود بخشید. روان اقتصادی و علمی کشور افزایش می‌یافت، بنیادهای تحکیمی شد، سطح رفاه مردم بالا می‌رفت. در سیاست خارجی، اقدامات فراوانی به عمل آمد که توریته بین‌المللی کشور را تحکیم نمود. توازن نظامی - استراتژیک با ایالات متحده آمریکا تا مین گردید.

کشور، اما مکان‌های بسیاری برای تسریع بیشتر رشد و تکامل خود را اختیار داشت. اما برای آن که این امکان‌ها مورد استفاده قرار گیرند و از زوهره به فعل درآیند، به تغییراتی جدید در دیکال درجا معنیا زیود، و البته به‌اراده سیاسی متناسب با این تغییرات نیز، هم‌در آن زمینه نقصان وجود داشت. وقتی بسیاری از آن مسائل که محل‌شده بود، از روی کاغذ اترنرفت و معلق ماند، آهنگ رشد ما جدا روه‌کندی گذاشت.

حزب در پلنوم آوریل (سال ۱۹۸۵) کمیته مرکزی و درنگره ۲۷ آتکسارا علل وضعیت شکل گرفته را بر سرمد و کم‌نیس‌تر مژر رشد و تکامل کشور را بر ملا کرده، مورد ارزیابی اصولی قرار داد.

تا کید کردید که در سال‌های آخر فعالیت و حیات لئونید بر زنف، بایبندی به فرمول‌ها و شما‌های مالوفی‌ها نیست‌ها ای جدید را با زتاب نمی‌دانند. از بسیاری لحاظ راه‌جونی برای پیشروی بیشتر ناخام می‌شد. کمست میان حرف و عمل افزایش یافت. روندهای منفی در اقتصاد کبیر بی‌پیدا کرد، روندهای که واقع‌موجب وضعیت بی‌بسیار شدند. در عرصه‌های اجتماعی و اخلاقی پدیده‌های ناخام را بسیار وجود آمد، این پدیده‌ها اصول عدالت اجتماعی را قلب می‌کردند و دچار اوجاج می‌شدند، به‌ایمان خلق نسبت به عدالت اجتماعی آسیمی زدند و بیگانگی اجتماعی و لای‌بالی‌گری را در اشکال مختلف آن موجب می‌شدند. فاصله‌ها زیاد می‌شد، اصول متعالی سوسیالیسم و واقعیت روزمره زندگی تحمل‌ناپذیر گردید.

تنبوه‌های سالم‌حزب در مجموع جا معده، ضرورت و نیا مبرم‌رغ پدیده‌های منفی و تغییر سیر رویدادها، تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور و پاکسازی اخلاقی و نوسازی سوسیالیسم را هر چه شدیدتر احساس می‌کردند.

ایده‌ها استراتژی تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور و نوسازی سوسیالیسم که توسط پلنوم آوریل (سال ۱۹۸۵) کمیته مرکزی طرح شد، نیز با سخ به همین نیا رجا مدعا بود. این شی و استراتژی در تصمیمات کنگره ۲۷ و پلنوم‌های بعدی کمیته مرکزی به لحاظ شوریک و سیاسی بسط و تکامل یافت و به صورت ملی عمومی نوسازی انقلابی همه‌شئون حیات جا معده درآمد.

رقبا! اگر انقلاب کبیری در روسیه نبود، جهان این گونه‌ها میسرور آن را می‌بینیم، نمی‌بود. تا قبل از این نقطه‌رخش تاریخ جهانی، "قانون زرو زور و نیز جنگ‌های اشغال‌گرانه، نرم‌معدای مناسبات بین‌المللی بود، حکومت‌نوری‌ها و ولین سندا نوسی آن فرما ن معروف ملج بود، به‌سما زده‌ای ن نظم بر دادخت. کشورها را استعمار که قبلا در دوری "سیاست بزرگ" قرار داد، به پرا تیک بین‌المللی وارد کرد؛ عقل سلیم مردمی و منافع توده‌های زحمتکشان، لنین در آن سال‌های اندکی که سیاست خارجی را رهبری می‌کرد، نه تنها اصول آغازین این سیاست را تدوین کرد، بلکه همچنین چگونگی کار کردن این اصول در غیرمعدای ترین و متغیرترین شرایط را نشان داد. در واقع برخلاف انتظارات اولیه، کمست‌ترین "حلقه‌نفی" سیستم‌سرمایه‌داری نه "آخرین نیردفتی"، که آغاز روندی طولانی و بفرنج بود.

عظیم‌ترین خدمت‌سینا گذار دولت نوری در آن بود که به موقوع آن چشم‌انداز واقعی را که در نتیجه‌ی آن بیروز مندنک داخلی در برابر روسیه جدید گشوده می‌شد، دید، آ دید، و کشورها استه‌سودنه‌تینا "مجت"، بلکه به چیزی به مراتب مهم‌تر دست یابد. "دوره‌ای جدید، که حق موجودیت‌اساسی بین‌المللی ما در شیکه‌کشورهای سرمایه‌داری به‌جنگ آمده است" و لنینین قاطعانه این شی را پیشینا کرد: آموزش و آموختن "زندگی مشترک" طولانی با آنها، و ادر سر بر افراطی‌گری جب، امکان پذیر بودن همزیستی - مساومت آمیز کشورهای دارای نظام‌های اجتماعی متفاوت را استدلال کرد.

بدین شی است که سیاست خارجی ما در دوره‌های بعدتینا از موقوعیت و دستا و ردا نیا شته‌نمود، خطا هم‌رودخت. هم‌قبل و هم‌بعد از جنگ جهانی دوم موفق شدیم همیشه و در همه‌جیزا، اما گمانی که فراموشی‌آه استفاده کنیم، اتحاد شوروی با توریته معنوی عظیمی از جنگ بیرون آمد، اما ما نتوانستیم از این توریته مدد بگیریم تا نیروهای ملجودست و دموکراتیک را متحد کرده، سازماندهندگان "جنگ سرد" را متوقف کنیم. مسا در قبالت اقدامات دسیس‌جویانه امپریالیسم همیشه و انکش لازم را نشان نمی‌دادیم.

آری، برخی کارها را می‌شد بهتر انجام داد. موثرتر عمل کرد. با این وجود در این روز برنگی می‌توان تا کید کرد که خط اصولی سیاست ما همواره آن راستای عمومی را که لنین تدوین کرده و گشوده بود، حفظ می‌کرد، به عبارت دیگر مسا سربت سوسیالیسم و سم‌تگیری اصولی آن در جهت ملج انطباق داشت (کسف زدن حضا ر).

در نیا به مدد همین امر بود که موفق شدیم از به‌راه افتادن جنگ هسته‌ای جلوگیری کنیم و نگذاریم امپریالیسم "جنگ سرد" را ببرد. ما به اتفاق متحده‌انمان

استراتژی امپریالیستی "حذف سوسیالیسم" را به‌شکست‌کشان ندیم. امپریالیسم ناچار شد از دعاوی خود برای ایادت جهانی بگاهد، بر همین نتایج سیاست ملج‌جویا نه‌مان بود که در مرحله‌جسیدت‌توانستیم تا گام‌های پیش‌رونده‌های جدید ملجم‌ز تفکر نوری را تدوین نما شیم.

طبقه نظریه‌لنینینی همزیستی مساومت آمیز دست‌خوش تغییراتی می‌شد. در ابتدا، این نظریه قبل از هر چیز بر مبنای ضرورت فرا هم آوردن حداقل شرایط خارجی برای اختنان ما معشورین در کشور انقلاب سوسیالیستی شکل گرفته بود. اما همزیستی مساومت آمیز و به‌حکم‌آه مساویت طبقاتی پرولتاریا پیروزمند را داشت در دوره‌های بعدی و به‌ویژه در عرصه‌های به‌شرط بقا تمام‌انندیت تبدیل شد.

پلنوم آوریل (سال ۱۹۸۵) کمیته مرکزی ج.ک.ا. ش. در رشد و تکامل این لنینینی در این راستا نیز به نقطه‌عطفی تبدیل شد. نظریه جدیدی است که رچی را در تکی بسط یافت و ترنگره ۲۷ را شده. همان گونه که می‌دانید، نقطه آغاز این نظریه را ایده‌پژشکلی می‌دهد: جهان را معاصر علی‌رغم تضادهای عمیق و علی‌رغم تفاوت‌های ریشهای کشورهای تشکیل‌دهنده آن، جهانی است هم‌پیوند، متقا بلا به هم وابسته و تا حد معینی یکپارچه.

این امر نای است از آن ترنا سونا لیزه شدن روابط اقتصادی جهانی، خلعت فراگیر انقلاب علمی - فنی، نقشن‌اسا جدید را نه‌های خبری و ارتباط جمعی، وضعیت منابع کره زمین، خطر عمومی اکولوژیک و مسائل اجتماعی خیره‌کننده جهان را روبه‌شد که به همه‌بر می‌گردد.

بدین ترتیب، ایده‌لنینینی اولویت منافع رشد و تکامل اجتماعی و مفهومی جدیدی یافت. این مفهومی در مرحله‌خرشی جدید تاریخ جهان، ضمن بزرگداشت هفتادمین سال انقلاب ما - انقلابی کها ربه‌لحاظ شوریک تنها رگ‌شده بودیدسیس‌روز نمی‌شد. روی چشم‌اندازهای پیشروی به‌سوی ملج پایدار، کار شوریک می‌کنیم، ما در اساس الزام مکان سیستم جامع امنیت بین‌المللی در شرایط خلج سلاح را به مدد تفکر نوبین‌مدل نوده‌ایم. حال با پذیرفورت و عملی بودن رفتن و رسیدن به این هدف را اثبات می‌کنیم. با یقینا نوخمنده‌های تا شیر متقابل نیروها را که در مبارزه، در تضادها و در ستیز منافع می‌توانند نتیجه مطلوب به‌سما ر آورند، آتکا رنما شیم. و در این رابطه با پذیرفایش از هر چیز - با زهوا موضوع آموزش لنین و با استفاده از متدولوژی او - سؤالات فخری را برای خود طرح کنیم.

اولین سؤال به‌سرت است امپریالیسم مربوط می‌شود. روشن است که خطر عمده‌نظامی از هم‌سرت امپریالیسم بر می‌خیزد، البته سرت یک نظام اجتماعی نمی‌تواند تحت تاثیر شرایط خارجی تغییر کند. اما آیا در نظام کنونی رشد و تکامل جهان و در تراز جدید و استیجی متقابل و یکپارچگی آن چنان تا شیری بر این سرت امکان پذیر است که خطر ناگ‌ترین تجلیات آن را مهار کند؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان روی این حساب کرد که تا نوخمنده‌های جهان یکپارچه‌ای که ارزش‌های عمومی‌شوروی آن اولویت عمده به‌سما رمی روند، بتوانند دانسته‌شیرات ویران‌کننده‌فوت‌نمندی‌های خود محورانه‌وتنگ طبقا تسی سیستم‌سرمایه‌داری را محدود کنند؟

سؤال دوم. این سؤال به‌سؤال اول مربوط می‌شود: آیا سرمایه‌داری قادر است خود را از مصلحتت رسیس‌سرمایه‌اند؟ آیا می‌توانند بین‌الملیتا رسیس‌م عملگر د اقتصاد داشته و رشد و تکامل یابد؟ آیا دعوت ما از کشورهای غرب برای تهیه و برسیس برنا مه‌های تغییر خط اقتصاد دیعینی انتقال آن به ریل ملج میسر خیالی نیست؟

سؤال سوم. آیا سیستم‌سرمایه‌داری می‌توانند بدون نواستعما ر که یکی از منابع تا مین حیات کنونی است، سرکنند؟ به عبارت دیگر، آیا این سیستم قادر است بدون مبادله‌نا متادل با "جهان سوم" که بی‌آمه‌های غیر قابل پیش‌بینی در بر دارد، دابریا شند؟

و سؤال دیگر در کجا راین سؤال‌ها. امید به آن که در کجای جبهه‌های کده‌جهان در آن قرار دارد - سوسیالیسم که این درک حتی دارنده‌ده‌های بالایی نتخکان جا کم‌دنیا ی غرب به‌سوی می‌کنند - به سیاست عملی را می‌پسندد کند، تا چاه‌انداز و تقبیلنا نه‌است؟ آخر هر قدر هم دلایل عقلی قوی باشند، هر قدر هم احساس مسئولیت پیشرفته‌ها باشد، هر قدر هم عزیز و محقق خود بخیر و مند با شند، چیزهایی هست که نمی‌توان آنرا را دست‌کم گرفت و با منافع اقتصادی و بین‌المللی طبقا تسی تعیین می‌شوند.

به بیان دیگر، صحبت بر سر آن است که آیا سرمایه‌داری خواهد توانست خود را با شرایط جهانی غیرهسته‌ای و عا ر ا صلاح، با شرایط نظم‌نوبین‌ا دلانسه اقتصاد، با شرایط مقابله‌نا دفا نه‌ارزش‌های معنوی دوجیان تطابق دهد؟ اینها سؤالاتی است بسیار پررخصون، چگونگی انکشاف رویدادهای تاریخی در دهه‌های آتی به‌سما این سؤالات بستگی دارد.

حتی طرح همین سؤالات هم برای بی‌پردن به‌جدی بودن مسا له‌کافی است. جواب آنها را زندگی خواهد داد. درستی همان برنا به‌جهان ایمن و عا ر ا صلاح هسته‌ای هم‌تنها با محبت استدلال علمی آن سنجیده‌نخواهد شد. سیر رویدادها که خودتحت تاثیر گوناگون‌ترین وجیدترین نیروهاست، درستی این برنا مه‌ها محک خواهد زد.

همین الان هم‌ا ردمک می‌خورد. در این زمینه هم‌ما پیرو سنت لنینینی و هوهر لنینیسم هستیم: در آمیختن ارگانیک تنوری و پرا تیک، بر خورد به‌سما تنوری به‌منا به‌بزا رپرا تیک و برخورد به‌پرا تیک به‌منا به‌مکانیسم کنترل صحت تنوری. ما هم‌همین طور عمل می‌کنیم، تفکر نوبین را به‌حقا لیت سیاست خارجی می‌کنانیم و آن را با تجربه‌ها ملج از سیاست و اقبی، تمحیح و تدقیق می‌کنیم. پس ما علم‌به‌این که جهان ایمن را با ییده‌اتفاق کشورهای سرمایه‌داری ساخت، روی چه‌جیزی حساب می‌کنیم؟

دوره‌بعد از جنگ گواهدگرگونی عمیق تضادهای است که روندهای اصلی اقتصاد دسیاست جهانی را تعیین می‌کردند، پیش از همه مقصود چنان رشدی از سرمایه‌داری می‌انجامید.

انگن وضعیت به‌گونه‌دیگری است. نه تنها عبرت از جنگ گذشته، بلکه همچنین ترس از تضعیف خود در برابر سوسیالیسمی که به‌سیستی جهانی تبدیل شده است به‌سما به‌داری اجا زه‌نداده‌است که تضادهای داخلی خود را به‌سما تنها تری برساند. این کشورها شروع کردند به‌گذا ربه‌سما تبه‌تکنولوژیک مسا یکدیگر، و به مدد نواستعما ر خود را "خلیه" کردند. نوسی تقسیم‌جدید سیدو "مساومت آمیز" در جهان روی داد - طبق همان قاعده‌ای که لنین نشان داده بود - "حزب سرمایه"، یعنی کسی که در لحظه معین شروعتندت - سرو و نیرومندتر است، سهم بیشتر را زان اوست. در شمای از کشورهای از طریق تریس‌سرمایه به‌مجتمع‌های نظامی - صنعتی - به‌بانه "خطر تنوری" - به "رفع شنج در اقتصاد بر داد ختنه، دگرگونی‌های هم‌رین‌سما دتکنولوژیک و سازمانی اقتصاد سرمایه‌داری روی داده‌بود به‌رفع و رجوع تضادها و تعادل منافع کمک کرد.

اما مساله‌تنها این نیست. در گذشته در برابر شهیدان شیم اتحاد کشورهای سوسیالیستی سرمایه‌داری امکان پذیر شد. اما آیا این امر برای زمان

سخنرانی... به مسائلی که سیرتکا مل اجتماعی پیش می کشند، کوشش‌ها بی با خصلت فرا ملی با دیده کار بستگی شده. به عقیده ما، چنین دیدارها و چنین ابتکارهایی به جستجوی یافتن این پاسخ‌ها کمک می کنند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به گرمی از روند انقلابی نو سازی که در اتحاد شوروی جاری است، پشتیبانی می کند. نو سازدی به نایب زهای زمان پاسخ گفته و مکان غلبه د شوروی ماهی که در راه رشد و تکامل سوسیالیسم پدید آمده اند، بر تقویت می کنند.

آشتی ملی تنها راه دفاع از انقلاب نواست. در مورد مسأله فلسطین، ما از پیشینها داخا شوروی مبنی بر فرار خواندن کنفرانس بین المللی در مورد خاور نزدیک پشتیبانی می کنیم. ما امیریا لیمپا آمریکا و متحدین مرجعش با برقراری صلح میان ایران و عراق، در منطقه خلیج فارس، هم در فلسطین و منطقه عربی و هم در افغانستان با مخالفند آنها در عمل نشان می دهند که صلح نمی خواهند. ما معتقدیم که برای تامین صلح در خلیج فارس و عراق، چه در افغانستان و چه در رابطه با فلسطین - پشت میز مذاکره بنشینند و تلاش کنند اختلاف نظر خود را از طریق سیاسی حل و فصل نمایند و وجودندارد.

همین منی نیز از جانب نیروهای ترقی خواه هم برای امریکا مرکزی، هم برای آسیای جنوب شرقی و هم برای سایر مناطق پیشینها شده است. ما از این منی حمایت می کنیم. امروز کشورها ایران دوره سختی را می گذرانند. ننگه جهان به کشور ما دوخته شده است. بحران در خلیج فارس که قبلاً از همه سیاست محال حل حاکم در ایران به آن دامن می زند، بی نهایت حادثه است. محافل حاکم ایران سالها در این سالها، علیرغم این که خلیج فارس ایران از جنگ متفقین است، برادمانه جنگ اصرار می ورزند. این سیاست به نفع کون بیانه نده است تا ناوهای جنگی خود را به خلیج فارس گسیل دارد و عملاً این منطقه را به اشغال خود درآورد. ما فداثیان خلق ایران مردم را سرچهاران می خوانیم. به طرق سیاست آمیزه منظور و ادراک کردن رژیم حاکم را بران به اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت

سازمان ملل متحد، آن را زیر فشار قرار دهند. ما حضور نظامی امیریا لیمپا آمریکا را در منطقه خلیج فارس ناظر به طبقه کارگر می بینیم. نیروهای مسلح کشورهای غیر ساحلی با ایداز خلیج فارس بیرون برده شوند. آزادی کشی را بی در این منطقه می توانند صورت صورت توسط نیروهای سازمان ملل متحد تامین شود. پیشینها داخا شوروی در این زمینه معقول و منطقی است.

خلق ایران تنها از سختی های جنگ در عذاب نیست. ظرف سالهای اخیر هزاران زندانی سیاسی در زندانهای ایران شریک را ن شده اند، زندگیشان هزارانها را درگیر کرده است. تنها در استان وپا نیز ۱۹۸۶ بیش از هزار نفر از اعضای سازمان دستگیر و تحت سرکوب و از جمله شکنجه قرار گرفتند. در همه ای اخیردهها نفر اعدام شده اند. در هیچ کشور دیگری رژیم تا این حد مستبد وجودندارد. خلق ایران شما نیروهای صلح دوست و دموکراتیک جهان را فراموش نکنید. دیکتاتور خونین روحا نیست در کشور ما محکوم کنید. ما فداثیان خلق شما را فراموش نمی کنیم. از سیاستهای دفاع کنید. با گذار از اعتراض و اقدامات سازماندهی خون گسیل که برای دفاع از صلح و آزادی مبارزه می کنند، جلوگیری کنید. فداثیان خلق ایران منعمینا به خاطر کونیست اتحاد شوروی و خلق شوروی به خاطر مهمان نوازی و به خاطر طریزگاری دیدار حاضر که این اندازها موفقیت جریان دارد، تشکر می کنیم و موفقیت همه شما را در مبارزه با طریز، پیشرفت و تامین منافع زحمتکاران خواهانیم. این سخنرانی در روزنامه "پراودا" چاپ شده است.

همه را لاهما زیبا بین. چنین است سنت حزب طراونیان از همان اولین گامها. چنین است توقع از پیشها هنگ جا معه شوروی در مرحله کنونی رشد و تکامل سوسیالیسم، مرحله ای بسیار سرخس، ما به لحاظ تاریخی، ایام بخش. رفقا بشریت در سال ۱۹۱۷ به آستانه تاریخ راستین پا گذاشت. اما هفتاد سال که گذشت و تکان های اقتصادی و چرخش غیر مترقبه اجتماعات که فاشیسم و جنگ دوم جهانی، "جنگ سرد" و مسأله تسلیمات، و خطر فاجعه گرما هسته ای و بحرانهای جهانی را موجب شدند. گواهندند که گذشته هنوز هم چنان بخش قابل توجهی از بشریت را در جنگ دارد. به حال ما حق هستیم ما را که در آن زندگی می کنیم، یعنی مرز بین ۲۰ و ۳۰ را هم به لحاظ عمق تغییرات اجتماعی و همه به لحاظ جهانی بودن وظایفی که در برابر خلق های کره زمین قرار گرفته است، زمانی منحصر به فردیدانیم.

ما روزی بینیم که: بشریت واقعا محکوم نیست برای ابدانگوتی زندگی کند که تا قبل از سال ۱۹۱۷ زندگی می کرد. سوسیالیسم و انقلابی سوسیالیسم، رشد کننده و تکامل یافته تبدیل شده است. ما نا اکتسروها و سوسیالیسم، مسیری به بشریت می نماند که به آینده و به ارزش های نوین بنا سیاست راستین انسانی راه می برد. (کف زدن حضار) به عوض خودخواهی - کلکتیویسم. به عوض استعمار و روستم - آزادی و برابری. به عوض استبداد اقلیت - حکومت را ستین مردمی. به عوض بازی خود انگیزه و بی رحمانه نیروهای اجتماع - نقش فزاینده خردوانسانیت. به عوض نزاع خصومت و جنگ - وحدت

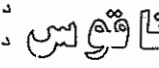
عمومی صلح. بشری های کنونی - ونه تنها در کشور ما - در قبایل سرنوشت تمدن و خوبی حیات روی کره زمین مسئولند. این که آفا ز هزاره سوم تاریخ جهان به پایانی در تحلیل نشانی به همین نسل ها شده است. ما فداثیان خلق شما را از این نسل ها تشکر می کنیم. تا آغاز قرن ۲۱ تنها کمی بیش از ۱۳ سال فاصله داریم. و در سال ۲۰۱۷ خلق ما و همه بشریت ترقی خواهد داد. استقبال صدمین سال اکتبر کبیرخواه ها را در دست.

چنان، آن هنگام که صدمین سال انقلاب ما را در می نوردد، چگونه خواهد بود؟ سوسیالیسم چگونه خواهد بود؟ جامعه جهانی دولت ها و خلق ها به چه میزانی از بلوغ دست خواهند یافت؟ نمی خواهدیم جسد بنیم، اما مویطیم به یاد داشته باشیم که بهای آینده همین امروز ریخته می شود. وظیفه ما است چنین است: حفظ تمدن بی بدیل ما و خود زندگی روی کره زمین، تا مین پیروزی خرد بر جنسون هسته ای، ایجا دهه شرطی برای رشد و تکامل آزادانه و همه جا نیبه هر فرد و همه بشریت (کف زدن های ممتد)

این واقعا جای تاسف دارد که کسانی در میان مبارزان میهن ما یافت شوند که خود را انقلابی و مترقی بنامند اما از بیم مرجع ترین محافل سیاسی ایران و جهان برتر سنده گشت میزین بنشینند که تقریبا همه نیروهای انقلابی و مترقی جهان از کمونیست ها گرفته تا محافل صلح دوست بورژوازی را همه با هم در بر گرفته است.

در هر حال این فرصت گذشته و چمان با سوسیالیسم آینده است. با دوا مید: نخست امید به اینکه دیدار نمایندگان احزاب سازمان های ترقی خواه جهان در راستای ایجا دصوفی نیرو مند تر برای مقابله با آنچه زندگی، و تکامل و شکوفائی آن را تهدید می کند، طلیعه تدایم حرکتی نو نگردد. ما امیدواریم و بیفن داریم که چنان که امروز جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی و قبیل از همه جا معه کشورهای سوسیالیستی در تدایم و امین حرکت و در حفظ راستای عمومی آن نقش و مسئولیت بزرگ را بر عهده خواهند گرفت. و دوما امید به اینکه طریف وسیع نیروهای صلح دوست و ترقی خواه ایران موفق شوند حرکتی نو در راستای دست یابی به صلح و دموکراسی در ایران را همراه و هم دوش با یکدیگر آغاز نمایند. با ندهیدار نمایندگان وسیع ترین محافل اجتماع دنیا در پشت یک میز برای رسیدن به جهانی امن تر و عادلانه تر برای مبارزان خلق ایران الگوئی باشد برای تسریع آغاز حرکت.

تقطعاتی از سروده نیکسا به مناسبت انقلاب کبیر



در رخنه های تیره ویرانه های ما، در چشمه های روشنی خانه های ما، در هر کجا که مرده به داغی است، پا دل فسرده ما شده چراغی است، تا شیر می کند.

با ننگ بلند و دلکن نا قوس در خلوت سحر بشکافنده است خرمن خاکسترها وز راه هر شکافنده زخمه های خود دیوارهای سرد سحر را هر لحظه می درد ... نا قوس دلنواز جا برده گرم در دل سرد سحر به ناز آوای او به هر طرفی راه می برد سوی هر آن فرا زکده های، اندر هر آن نشیب که خوانی،

جهان در انتظار دیدار رهبران اتحاد شوروی و آمریکا

روز ۱۶ آذر (۷ دسامبر)، میخائیل گورباچف رهبر اتحاد شوروی و ریگان رئیس جمهوری آمریکا در واشنگتن برای عقد قرارداد بیطرفی میان بردها و سربازان سوسیالیستی در بریتانیا و سایر نقاط اروپای غربی و شرقی توافق کردند. این توافق در حالی صورت گرفت که در آن زمان، اتحاد شوروی و آمریکا در حال جنگ سرد بودند. گورباچف در این دیدار، رهبران اتحاد شوروی و آمریکا را به همکاری در زمینه امنیت و صلح دعوت کرد. او همچنین بر اهمیت همکاری در زمینه حقوق بشر و آزادیهای اساسی تأکید کرد. این توافق، نقطه عطفی در تاریخ روابط بینالملل محسوب میشود.

"اجلاس امان" در دفاع از قطع جنگ

اجلاس فوق العاده سران ۲۱ کشور عرب با شرکت با سرعفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین روز ۹ آبان در "امان" پایتخت اردن به کار خود پایان داد. کنفرانس که در شرایط صلح و خرامان در منطقه خلیج فارس و اوضاع جنگ ایران و عراق، در گریچه ای مدافعان عرب اسرائیل و موضع بحرانی لبنان تشکیل گردید، مسئله جنگ ایران و عراق را در مرکز مباحث خود قرار داد.

کنفرانس در این رابطه در قطعنامه‌ها بیانیه‌ای خود خواستار اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر قطع فوری جنگ و حل مسالمت‌آمیز اختلافات گردید. اما کنفرانس با محکوم کردن ایران در امتناع از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، از رژیم جمهوری اسلامی خواستند که با اجرای آن تن در دهد. در قطعنامه کنفرانس در رابطه با مهمترین مسئله جهان عرب یعنی مسئله فلسطین با رد یکبارگی تأکید شده است که صلح در خاور میانه تنها با پایان یافتن اشغال سرزمین‌های عربی از سوی اسرائیل و اعاده حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود امکان پذیر است. شرکت کنندگان خواستار برگزاری کنفرانس بین‌المللی صلح در خاور میانه زیر نظر سازمان ملل متحد و شرکت همه کشورهای ذینفع و سازمان آزادیبخش فلسطین و نیز کشورهای عضو سازمان ملل متحد شدند. موضوع دیگر قطعنامه مربوط به برخورد جدید جامعه عرب با رژیم مصر بود. رژیم مصر که پس از امضای قرارداد دفاکتو صلح با اسرائیل در سال ۱۳۵۸، سازمان جامعه عرب اخراج گردیده بود و بیچاره کشور، با برکناری عربی رابطه خود را با آن قطع کرده بودند. اکنون بر طرفی است که تعدادی از رژیم‌های ارتجاعی عرب کنفرانس را به عنوان کنفرانس عرب‌ها در نظر می‌گیرند و آن را به عنوان کنفرانس عرب‌ها در نظر می‌گیرند. کنفرانس در این باره تأکید کرده است که صلح در خاور میانه تنها با پایان یافتن اشغال سرزمین‌های عربی از سوی اسرائیل و اعاده حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود امکان پذیر است. کنفرانس در این باره تأکید کرده است که صلح در خاور میانه تنها با پایان یافتن اشغال سرزمین‌های عربی از سوی اسرائیل و اعاده حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود امکان پذیر است.

برای آزادی فلسطین، جنبه خلق برای آزادی فلسطین، جنبه آزادی فلسطین و جنبه آزادی عربی و عسدهای شخصیت مستقل و منفرد تشکیل شده است، همه مشابهت‌ها تنها نماینده قانونی خلق فلسطین، رهبری مبارزات آنان را بعهده دارد.

سازمان آزادیبخش فلسطین پس از نزدیک به ۵ سال اختلاف و جدائی، در هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین (که در امان در تبعید فلسطین که بیش از ۴۰۰ عضو دارد) گردید. این نشست ما را به جاری کردن اجلاس تشکیل گردید، توانست با ردیگر وحدت و یکپارچگی خود را با یک برنامهمسما با وحدت مین کند. این موفقیت‌آمیزه ویژه پس از مدتها تلاش و فراوانی که بر طبق محروم فلسطین طی سالهای اخیر از زمان اشغال لبنان توسط ارتش صهیونیست اسرائیل در سال ۱۹۸۲ تا کنون تحصیل گردیده است، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

سازمان ما ضمن تکرار مباحث "روزجهان" همبستگی با مردم فلسطین" پشتیبانی عمیق خود را از خلق فلسطین تنها نماینده قانونی آن اعلام می‌دارد.

اشرار افغان در حضور ریگان

دو هفته پیش هیئت عالیرتبه‌ای از رهبران باندهای فدا انقلاب افغانستان برای دریافت کمک‌های بیشتر، با ریگان رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کردند. "صاحب ریگان" از این اشرار که هر روز بر سر مردم بیگناه افغان کلوله‌آتش می‌بارند با "گرمی و دروغ‌های صمیمانه" استقبال کردند. ریگان از آنها را مورد ملامت و نیز خودتقار را بدستور داد تا آنجا که در توان او را از دادن یا ریهایی بیشتر به آنها دریغ نخواهد بود و زود به آنها توصیه کرد از تفرق دست بردارد و سرنوشت با دولت و انقلاب افغانستان را متحمل کند.

فدا انقلاب افغانستان در سال جاری تنها ۶۰۰ مویش استیغرا زدولت ریگان دریافت داشته است. این فقط یک رقم زخمک‌ها است که برای ادا به جنگ برادر کشی در افغانستان در اختیار نیروهای مسلح مخالف دولت گذاشته است تا همچنان افغانستان را متشنج و جنگ زده نگهدارد. و این در حالی است که دولت افغانستان مدتهاست، خشکی نا پذیر و با جدا کردن طرفی می‌کوشد که جنگ خاتمه یابد و آرامش به کشور بازگردد. افزایش تلاش‌های دولت افغانستان برای "آشتی ملی" که سرنوشت مردم و انقلاب افغانستان به آن گره خورده است، بیش از پیش، کاخ سفید و رهبران فدا انقلاب را به تکان در آورده است. زیرا تحقق موفقیت آمیز روند صلح‌آمیزی و قطع برادر کشی در افغانستان زمینه‌ساز عادی خروج قوای نظامی اتحاد شوروی که برای بی‌آرامی در افغان در دفاع از انقلاب افغانستان به آن کشور گسیل شده‌اند، فراهم نموده و نتیجتاً آمریکا، فدا انقلاب و دیگر نیروهای ارتجاعی را از نوسل به این "بها" برای مقابله با انقلاب افغانستان محروم خواهد کرد.

در نیکارگوئه

در پی امضای موافقتنامه‌های سازی صلح آبیض اوضاع در آمریکای مرکزی توسط روسای جمهوری ۵ کشور آمریکای مرکزی (نیکاراگوئه، کاستاریکا، السالوادور، کولمبا و هندوراس) که چندین بار در پایتخت گواتمالا انجام پذیرفت، کشور انقلابی نیکاراگوئه در اجرای مصمتت موافقت‌نامه‌ها به‌زور کام‌های عملی میباید پرداخت: نخستین کمیسیون آشتی ملی در نیکاراگوئه در روزهای اول سپتامبر به ریاست یک شخصیت مشهور گواتمالا، سقف‌آب‌اندوبو دو تشکیل گردید. بدینسان آن چند روزنامه‌ورادیسوی کلیسیا که توله‌ها از زنا نتشاً روپخش مجدد برنامه‌ها پیدا کردند، گفتگومیان دولت و ۱۲ حزب سیاسی کشور آغاز گردید و مهمترین زهمه قطع یک جانبه حملات نظامی از سوی ارتش خلق با تدبیرت اعلام شده است. تاکنون گروه‌هایی از افراد مسلح با زمین گذاشتن سلاح به طرح صلح دولت پیوسته‌اند. کوشش‌های دولت نیکاراگوئه برای بازگرداندن آرامش به کشور علیه فرما بکار ریجی اکیبته‌نوزانه کاخ سفید ادامه دارد. بیست و یک نفر از دولت نیکاراگوئه با اعلام طرح جدید اما ده‌ای آشتی پس با ردیگر از کنترها خواسته است که سلاح بر زمین بگذارند. "سقف آبدو" ما موربت خواهد داشت که طرح را مستقیماً با کونترها در میان بگذارد. از جمله در طرح گفته شده است که چنانچه شورشیان از یقین به نظر می‌باید دولت دست بکشند، مشمول عفو عمومی خواهند شد.

انقلابیون و همه مردم متمرکز نیکاراگوئه تلاش‌های جنگ افروخته و مداخلات خونتتبار دولت ریگان در امر گشودن دروا محکوم می‌کنند. رونسند بیگاریبایی با نادان به خونریزی‌های کونترها علیه مردم تلاشیای دولت ریگان پیگیری می‌شود.

کنفرانس در این باره تأکید کرده است که صلح در خاور میانه تنها با پایان یافتن اشغال سرزمین‌های عربی از سوی اسرائیل و اعاده حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود امکان پذیر است. کنفرانس در این باره تأکید کرده است که صلح در خاور میانه تنها با پایان یافتن اشغال سرزمین‌های عربی از سوی اسرائیل و اعاده حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود امکان پذیر است. کنفرانس در این باره تأکید کرده است که صلح در خاور میانه تنها با پایان یافتن اشغال سرزمین‌های عربی از سوی اسرائیل و اعاده حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود امکان پذیر است. کنفرانس در این باره تأکید کرده است که صلح در خاور میانه تنها با پایان یافتن اشغال سرزمین‌های عربی از سوی اسرائیل و اعاده حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود امکان پذیر است.

همبستگی با خلق فلسطین

۸ آذر (۲۹ نوامبر) روز جهانی همبستگی با خلق فلسطین، روز مباحث خلقیای سرسره‌چان از نبردعادلانه و برحق خلق دلاور فلسطین علیه تجاوزات و تعدیات اشغالگران صهیونیست و امپریالیسم جهانی و بیاری برخورداری از حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل است.

خلق محروم فلسطین که دهها سال در بیدری و یک جنگ مستمر دراز مدت با دشمن اشغالگر و بیست سر دارد، مصمم است تا راه‌های میهن و تشکیل دولت مستقل ملی فلسطین از پای ننشیند. مردم فلسطین در این راه از یک تجربه غنی و سرنوشت‌آزمی استوار و زبشتیبانی خلق‌ها و کشورهای مترقی جهان برخوردارند. وجود سازمان‌های رزمنده فلسطین که متحدان در سازمان آزادیبخش فلسطین گرد آمده‌اند مبارزه سازمان یافته‌ای را تا مین و تخم‌بین می‌کنند. سازمان آزادیبخش فلسطین که از اتحاد سازمان‌ها و احزاب زیر: جنبش‌های خلق فلسطین (الفلاح)، حزب کمونیست فلسطین، جنبه دموکراتیک

دیده‌ار دوم رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در ماه ۶۵ در ریکیاویک (ایسلند) تصمیم پذیرفت. در جریان این دیدار که می‌نواست به رویدادی بزرگ و نقطه عطفی در مبارزه با تسلط ایالات متحده و بر طرف کردن جامعه‌های توسعه‌یافته بود اتحاد شوروی پیشینه‌دار که کلیه تجهیزات سگانه‌ها استراتژیک یعنی موشک‌های مستقر در زمین و در زیر دریا و هواپیما‌های استراتژیک حامل سلاح‌های هسته‌ای به نصف تقلیل یابد و همه موشک‌های میان‌برد شوروی و آمریکا در اروپا بکلی نابود گردد. در آغاز، مذاکره به یک مسیری توافق‌نامه‌ای منجر شد. ولی در ادامه با دستور اجرای قرارداد دفاع ضد موشکی (متفقین شوروی و آمریکا در سال ۱۹۷۲) و منسوخ شدن سلاح فضایی، مذاکرات توسط ریگان به بن‌بست رسید. تلیبرغیم اینک در ریکیاویک، یک شانس بزرگ تاریخی از دست رفت، ولی امید به توافق زایل نگردید. این مذاکره‌ها را برای مذاکرات و توافق‌های آتی هموار کرد.

اکنون جهان با چشمه‌دیدار و مذاکرات جدید رهبران شوروی و آمریکا دوخته‌اند. در این صدد تلاش و فعالیت‌های فشرده‌ای از جانب اتحاد شوروی صورت گرفته است که مذاکرات به نتیجه مطلوب بیاورد. احساس مسئولیت در قبال حفظ حیاست و تمدن بشری، رهبران اتحاد شوروی را واداشته است که به مسئله جدا کردن سیاست و انعطاف برخورد کنند و این علیه غیرمستقیم‌سوسی‌اقتصادی است که به زانجانب دولت آمریکا نسبت به سرنوشت سرزمین‌های اشغال‌شده، در همین روزها راست‌ترین محافظ امپریالیستی دست به کار شده‌اند و در توافق مانع ایجاد نکنند. ولی عقل سلیم و سیاست درست راه خود را از زمین هم‌دین انبوه‌موانع جان سخت‌ساز می‌کنند و انتظار را میدجانبان را متحقق می‌سازد.

چند هفته است که اعتمایات و نظهرات مکرر خیا بیانی در "اداکا" پایتخت بنگلادش و در پیش از ۱۰ شهر بزرگ دیگر این کشور، پایه‌های حکومت دیکتاتور و زنیال اشرار به‌زور در آورده است. مردم بنگلادش و احزاب مخالف دولت، برکناری اشرار را مضمناً خوبین و بازگرداندن دموکراسی به کشور خواستارند. با اعتقاد بر کارگران و کارکنان در شهرهای ساحلی، کار متوقف شده و بسیاری از کارخانه‌ها عملاً تعطیل گردیده‌اند. مردم در خیابان‌ها به زد و خورد با پلیس متولند. نیروهای سرکوبگر دولتی نظهرات و اعتمایات را به خون کشیده و تعداد زیادی را به قتل رسانده‌اند. نظهرات محروم و هزاران نفر از زندانی کرده‌اند. اما تا کنون نتوانسته‌اند تا شدیدت نظهرات و ناآرامی‌ها و گسترش آن به شهرهای دیگر جلوگیری کنند. رژیم رهبران احزاب مخالف را با زدا داشت کرده

بنگلادش علیه دیکتاتوری

چند هفته است که اعتمایات و نظهرات مکرر خیا بیانی در "اداکا" پایتخت بنگلادش و در پیش از ۱۰ شهر بزرگ دیگر این کشور، پایه‌های حکومت دیکتاتور و زنیال اشرار به‌زور در آورده است. مردم بنگلادش و احزاب مخالف دولت، برکناری اشرار را مضمناً خوبین و بازگرداندن دموکراسی به کشور خواستارند. با اعتقاد بر کارگران و کارکنان در شهرهای ساحلی، کار متوقف شده و بسیاری از کارخانه‌ها عملاً تعطیل گردیده‌اند. مردم در خیابان‌ها به زد و خورد با پلیس متولند. نیروهای سرکوبگر دولتی نظهرات و اعتمایات را به خون کشیده و تعداد زیادی را به قتل رسانده‌اند. نظهرات محروم و هزاران نفر از زندانی کرده‌اند. اما تا کنون نتوانسته‌اند تا شدیدت نظهرات و ناآرامی‌ها و گسترش آن به شهرهای دیگر جلوگیری کنند. رژیم رهبران احزاب مخالف را با زدا داشت کرده

آنچنان زیباست این بی بازگشت
کز برایش می توان از جان گذشت

نیوشا فرهی

حماسه فداشدن براه خلق

نیوشا فرهی - هوا دارا زمان چریک های خلق
بر آن - به عنوان آن اعتراض به حضور خا متدای جلا
ر سا زمان ملل متحد - خود را به آتش کشید
او جان غاشق را به شعله نفرت مردمش از
اکمان جمهوری اسلامی بدل ساخت تا چشم جهان نیسان
بیش از پیش به جانی بی گناه که به عنوان حکومت همه
ردم ما روا می شود دیگران سازد، و تنها یکی از صدها
زار جوانی است که به واسطه وجود حکومت تئیکار
مینی به آتش گشته اند. می رود.
نیوشا با سلاح جان خویش به مقابل با جنایات
ژمی ایستاد که بر اساس پندارهای پوسیده خود
روزها جوانان تازه ای را از بلندقوتی تکیه ها،
سجدها، حسینیه ها، زینبیه ها، مهدیه ها و... آواز
ی دهد و هر شب چراغ حمله های جدیدی را در خیابانهای
بر آن روشن کند. می دارد. روزی که با پندارهای
رده زادن مرده خواران را به قشری مرده در جامعه
بر آن بدل کرده است.

نیوشا خود مرگ را انتخاب کرد، اما نه به سبب آن
اگر که مرگ را می خواست، بلکه بدین قصد تا شعله ای
ر در برای آتش گردن بلیدهای پوسیده اندیش
اکم، او زندگی را پیش از آن که خود دوست داشت، و
انشر را برای آن دوست داشت تا ما به ای گردید برای
و شجاعتی مردم زحمتکش و محروم میباش... تا دیگر
رگز غروب با های کوچک دختر که گشته حلسی آبا د با
یدن دست های خالی از آن پدر، از استقبال باز
ما ند، تا دیگر کودک کم سال روستای بیسویج در
نظاره رنومیدانها زشت پدر در درش از "دوبسی"
غض کرده به گوشه ای نرزد، تا دیگر همسر کارگر
خرای "ارج" در مساری یک محله دور، با هوسل
شرم و ساروش را به یک سوم قیمت نفروشد، تا دیگر
ولندوزهای شهرداری تهران آلونک و زندگی
ر رنج دیده ها شیدا که در کج راه ویرا...
ردوا شک بدل نسا زد، تا دیگر قلب دختر عسری
وار آنگ به نبش دهنه برادرش کاقد، تا دیگر
تختی مادران میباش به عکس فرزندان نشان خییره
پوشودا بن ثد رعبارت "بمهربان الشیخه والصدیقین
ایرفرا آن نبینند.
نیوشا، انقلابی پاکباز، این گونه پیکر به

ارغوان آتش بیچید و این گونه در برابر خا متدای
- این محکومتا ریج قامت برافراشت، در برابر
مرد تئیکاری که قتل و کشتار حرفه سیاسی او
و هم دست نش در جمهوری دشمنان خلق شده است، در برابر
رئیس جمهوری که پس از ریختن خون ۲۰ هزار و ۳۰
هزار جوان و نوجوان در حبسه های جنوب به راحتی در

صفحه تلویزیون سراسری لسخند می زند، زیرا که
برای او هیچ اتفاقی نیافتاده و تنها "درخت اسلام"
کمی "بباری" شده است. در سراسر نما بند جمهوری
جنایت که اکنون قدم به مجمع عمومی سازمان ملل
می گذاشت.
نیوشا این سان بر معنا خود را به آتش سپرد!

« هرگز زیندی را آنکه زنده شد به کشتن
ثبت است در جریده های عالم روم ما »
یعنوا امترا به حضور خا متدای جلا در سازمان ملل متحد، و نیز امتراض به سیاست
های خارجی او ایلتر است دولت ریگان، و همچنین امتراض به عملکرد زمامتوری
فاسدیت های شاهان که همینان در مدیته با خلق های ستمدیده ایران پای می فشارند؛
خود را به آتش کشید.
به استقبال مرگ بن ستایم، چرا که خاستن مرگ نیستیم و به زندگی درسی باقی هم آتش از دام
ایمانه ناگزیر در راه مرگ گام بر می داریم چون عاشق زنده ایم، و نیز مانند مردم جوان سوسی
رنگ، نیکی برانگیز: " آنکس که جان نثار به جانان نمی رسد."
در وقت تمام اگر بگویم که نمی ترسم و نیز از مردمی نسوم که در راه شهادت است. اما اگر
نروزش ایجاب کند، مرگ را می پذیرم و شوقش ستاید بر یک لحظه تا نوری را ششام.
خون من رنگین تر از خون خلق کرد، یا زبان حامله می که اندام شده اند و بار خا متدای که به
سخت ترین امتثال شعله های آتش در زندان، یا زان که در سبوی از آن بهار و فرحک، و چه می
برای این امیر هستند) نیست؛ آنچه سباحت، ایمان و سیرگی آنها از دام و طریق اولی
به اندازه ای آنها عاشق نیستی. ستایم ما می من زنده ای می جامد، و در تمام دوره و در تمام
ام این بوده است که زنده به آن دوره ام که آرام و عزت داشتیم. همین.
مرگ بر ما بر ما هم جان به سرگردانی آفریدیم آمریکا
مرگ بر نظام ولایت فقیه
ناپذیر بایر میباید خردیم ستای
در زنده زندگی
در زنده آزادی
در زنده خلق که با زور زنده می جان
در زنده ایران و همه ی خلق که با هم کشان
در زنده نیروها انقلابی و می ایران و جهان
در زنده که بگویم

حکومت جدید در خلق پیدا ز سر ما پیدا را ن بزرگ وابسته و بر اندازی مواضع
سیاسی و نظامی امپریالیسم ترید نشان می داد.
در اینجا ما نگفته ایم که "خمینی و روحانیت پیرو او از بر اندازی سلطه
سیاسی و نظامی امپریالیسم هر سان بودند." سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم
در جریان انقلاب بهین اجرا نداشتند بود و لذا هر سان با عدم هراس حکومت جدید
موضوعی نداشت. سخن بر سر فرار ترورقت انقلاب از این محدوده است که بطور
مخفی می بایست در "دموکراتیک تیزه کردن حیات سیاسی و اجتماعی" متجلی می شد
و مولای برای پیشرفت انقلاب راه دیگری جز این متصور نبود و خمینی و پیروانش
در این مرحله به ما عن اصلی پیشروی انقلاب تبدیل می شدند، و لذا تا بسته
پشتیبانی کمونیستها نبودند، ولی آیا بر سرستیاست عدم پشتیبانی نمی توان
از این یا آن اقدام مشخص جان ننداری کرد؟ و آیا همسویی با یک نیرو در یک
مبارزه معین و یا پشتیبانی از یک اقدام مشخص آن، لزوما به معنی پشتیبانی
خط مشی حیات از آن نیرو است؟ نه ملاحظا تا تشویک و نه تجربه عملی چنین
درکی از مقولات "پشتیبانی" و "همسوئی" را تا شنیدنی کنند. بر خوردلینین با
بورژوازی لیبرال و حکومت کرسکی نمونه های درخشان از درک دیا لکتیکی
این مقولات را بدست می دهد. کنگره سوم حزب لنین اتحاد تشکیل جبهه با
بورژوازی لیبرال را در نمود، اما این بدین مفهوم بود که پروتار را ضمن
خودداری از اتحاد و توافق با بورژوازی می توانست از آن اقدامات وی که
دست کم به گونه ای موجب ترقی اجتماعی بود و پیروان زحمتکش را سودمند
می افتادند پشتیبانی می نماید. (۷) و به هنگام مقیام فدا انقلابی کورنیف لنین
ضمن تا کید بر ضرورتی مقابل با لیبرال کورنیف و با آگاهی کامل نسبت به همسوئی
عملی بین حزب بلشویک و دولت کرسکی نوشت:
"ما حتی حالاهم نیا پیدا دولت کرسکی پشتیبانی کنیم این کنار
بی برنسیبی است. می پرسند: مگر نیا پیدا کورنیف پیکار کرد؟
البته که با پدیدار کرد، اما این با آن فرق دارد. اینجا مرزی هست
که بعضی بلشویکها ضمن سقوط به ورطه "سازگار" و ضمن دل بستن به روند
حوادث از این مرز می گذرند. ما با کورنیف ما نندسیا هیان کرسکی
خواهیم جنگید و می جنگیم، ولی از کرسکی پشتیبانی نمی کنیم و ضعف
اورا افشای می سازیم. این دو با هم فرق دارند. این فرق بسیار ظریف
ولی فوق العاده مهم است و نیا بدان را فراموش کرد." (۸)
ما می توانستیم در مقابل ارتجاع مغلوب و تحریکات امپریالیسم جنگیم. هسان
طور که نیا هیان خمینی می جنگیدند. ولی از خمینی پشتیبانی نکنیم و ضعف او
را افشا سازیم. همچنین ما می توانستیم سیاست عدم پشتیبانی از خمینی را به
پیش بریم و در عین حال از این یا آن اقدام که "دست کم به گونه موجب ترقی
اجتماعی می بودند و برای زحمتکش را سودمند می افتادند" پشتیبانی کنیم.
این نحوه برخورد نه متناقض، بلکه گوش مسئولانه ای است به منظور
کار بست سیاست لنینی اتحاد و با پیبندی به شعار "وفا داری در اصول، انعطاف
در تاکتیک". امری که بلشونوم وسیع گام مهمی به سوی آن برداشت و تحکیم
آن در صفوف کمونیستی میباش که اکنون به کلاس مدرسی آموزی از دانه عظیم
انقلاب بهمن مشغولند، مباحثات خلاقانه و رفیقا نه با هم بیشتری را طلب
می کنند.

بخت علی برای...
بقیه از صفحه ۴
جبرالیا را افشا و منفرد می کرد به منظور گوش دادن به پیشروی انقلاب بهمن
می بایست شعارهای مجلس موسان، حفظ آزادی و حقوق دموکراتیک مردم
را به تدریج برجسته می کرد و سیاست اصلی مبارزه خود را متوجه حفظ دموکراسی در
جای بر سر کوب رژیم، مقابل با حرکت روحانیت برای استقرار رژیم تئیکار و
فشاری نما بیندگان تا در حکومت و دفاع خمینی از آن می نمود.
رفقا در اینجا از این راه سوال می کنند که آیا... فقط با گفتن این که
ناکمیت دروغ می گوید و هدفش استقرار رژیم "ولایت فقیه" است، امکان آن فراهم
می گردد. بد که زحمتکش را به ما هیت آن آبا دروغ می شنود. آبا دروغ می شنود
عده های رهبران جمهوری اسلامی، زمین در رویا روشی بیدرتک زحمتکش را با
ناکمیت را فراهم می ساخت؛ یا همانا طور که لنین می گفت، توده ها با پدیا
تجربه ششمی بصحت یا عدم صحت این یا آن شعار رو عده ادیکال بی بیرون دویا
لوح مسائل تشویک و فرمولهای کلی نمی توان توده ها را بسیج کرد."
در پاسخ با بدگفت اولاد، راه وسیع است پیش گفته را به صورت گفتن اینکه
ناکمیت دروغ می گوید و هدفش استقرار رژیم "ولایت فقیه" است، فرموله کردن در بهترین
نالت ناسی از بی توجهی به موضوع مورد بحث است. ثانیاً، ما هرگز بر این
و ارنموده ایم که از این طریق می توان زمین در رویا روشی بیدرتک زحمتکش
را ناکمیت را فراهم کرد و مولاد در شرایط آن روحیه تا کتیکتی کار در نبود
ندا می بیدرتک توده ها از ناکمیت را تا من کنند، جبهه سردی در رویا روشی
بیدرتک. در اینجا سخن از آن مشی انقلابی است که با کار رصیورانه، گام به گام
بوقبیت حزب را در دنیا را توده ها تحکیم می کند و هنگامی که تجربه شخصی انباشته
ده توده ها به آنها امکان قضا و تک می دهد. ولی معیار کمونیست ها، نه عده
زب کمونیست را با همانا خوب نمی را نند که حزب حاکم را. ثالثاً، لنین از
حمله در برخورد با مرحله آنجا که توهم دفاع طلبی ذهن توده های میلیونی را
سخیر نموده و حتی در صفوف بلشویکها نیز سرخ می کند، متدولوژی علمی برخورد
توده های متوهم را به خوبی تصویر می نماید و نشان می دهد که یگانا را غلبه
رتوهم توده ها، با فشاری بر شعاع صریح خود کار رپیکر مستمر برای اقتناع
بدهد است، و نه پس گرفتن شعاع روهم نوا می با توهم زدگان.
رفقا در توضیح خط مشی حزب با جواب "عده های حکومت" و "شعارهای
ادیکال" تا کید می کنند. حکومت خمینی نه اولین حکومتی است که وعده و
عبارت ادیکال داده و نه آخرین آن خواهد بود. ولی معیار کمونیست ها، نه عده
شعار بلکه ما هیت و عمل است. لنین پس از انقلاب فوریه در حالی که حکومت
رئیسکی و عده های سیاسی را داد و شعارها را ادیکال مطرح می ساخت نوشت:
"اینگ، پس از تشکیل حکومت انقلابی کرسکی، نگراف، او کس تیف و
شوکا، بزرگترین وفلاکتا بترین اشتباهی که کمونیستها ممکن
است بکنند، عبارت است از قرار دادن حرف بجای عمل وظا هر فریبنده
را ما هیت و با بطور کلی چیزی جدی حساب کردن." (۶)
ادرسند مبوب بلشونوم تا کید کردیم که "خمینی روحانیت پیرو او از فراتر
فتن انقلاب زبر اندازی سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم و اقدامات ضد
نضاری هراسان بودند. آنها از هراسان فزونی از پیروزی انقلاب با دموکرات تیزه
ردن حیات سیاسی و اجتماعی به مخالفت برخاستند و جهت انقراض دنیروهای
تقلبی، به ویژه فداشیا ن خلق هیچ فرستی را از دست ندادند و برای قبیله همه
درت به دست خود برآ ستقرار رژیم تئیکار تیک و با معده سلامی... دست به کار
دند." و "سا زمان از آنجا که بر این باور نبود که حکومت خمینی می توانست
و استیای اساسی توده های قیام کنند را بر آورده سازد، پشتیبان حکومت نبود.
بن سیاست درست بود. اما سا زمان نمی بایست در پشتیبانی از اقدامات

مقاله "نا ما مردم"، هما نظور که در مقدمه ما آورده ایم، به مسائل متعددی
پرداخته است. طبیعی است که در برخورد با مقالاتی از این نوع، اگر به مشکلف
با خرده بیستی نگریستیم می توان "شناختنا" و "ابها مات" متعددی کشف
نمود. ما کوشش کردیم که با دریافت فکراتی مقاله و بحث حول آن به متدولوژی
علمی و اصولی مباحثه های بنیادین شایم.

نامه کمیته مرکزی سازمان به دبیر کل سازمان ملل متحد در دفاع از صلح و زندانیان سیاسی

می کنند، عدت داده اند.

ارگانهای سرکوب رژیم دهازا رفتارنا فعالین جنبش مترقی ایران را با زداشت و تحت شکنجه های شدید جسمی و روانی قرار داده اند. در جریان یورش سراسری رژیم جمهوری اسلامی بهما زمان ما، طوسی یک سال و نیم گذشته، بیش از هزار رفتارنا زندان خلق با زداشت شدند و اینک تحت شکنجه های وحشیانه و قرون وسطای فراردا رند. طی سال جاری با زهم عده ای از زندانیان سیاسی وابسته به ما زمان نهی مترقی، از جمله، با آتجا کدها رجنایات بنیادنی رژیم به خارج در زکرده است، ۵ نفر از کارهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در زیر شکنجه شدید، با به جوخه اعدا مسروده شده اند. گزارشات تازه تر نشان می دهد که ۱۹ تن از انقلابیون اسیر رژیم جمهوری اسلامی اعدا شده و جان اعدا به بیشتر از زندانیان (از آن جمله رفیق نوشیروان لطفی، مبارز سابق و سرشناس رژیم شاه) در خطر است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به نام مردم ایران و بنا مدافع از حق زندگی و دفاع از صلح و آزادی و شرف انسانی، از شما و از طریق شما از سازمان ملل متحد مسأ عدت میطلبیم که به با هر چه سریع تر اعدا ما و خوشتریزی هائیکه که روزمره رژیم قرون وسطای و سرپرستش خمینی و هیئت حاکمه ایران است، با بی رسی رسانید، ما از شما می خواهیم که برای آزادی انسان ها شایسته جرمانه مدافع از صلح و آزادی و شرف انسانی است، از زندانیان مخوف و از جنگال درخیمان رژیم جمهوری اسلامی، با مسردم ایران همراهی کنید؛

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواستار اعزام هیاتی از سوی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد جهت رسیدگی به اتهامات جنایتکارانه و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

با احترام
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دبیر اول فرخنگین خدادر

۲۶ نوامبر ۱۹۸۷
روایت به: دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد

رژیم دیکتاتور ترکیه در ارتقا رومیارزه مردم ترکیه را خیرا محبوس کرده است این طور اتمسود کند که می تواند ارتقا روستا و اختناق بر کشوریکا هدیه آنجکه مردم را جزا سیاسی در برخورداری از حق آزادی و فعالیت سیاسی مظلله می کنند، بی اعتنا نمائند، از طرفی دیگر عضویت قریب الوقوع کشور ترکیه در سازمان مشترک اروپا نیز رژیم ارتقا روستا کزیر به رعایت برخی از موازین دموکراسی بورژوازی می نمایند.

دستگیری رهبران کمونیست ترکیه به سنگ محک و عده های رژیم دربار "اعاده دموکراسی" بدل شده و چهره رسوای رژیم دیکتاتور ترکیه را نمایانتر کرده است. نخستین و اکتشافی مقامات دولتی، نشانگر است که به رژیم ترکیه فضا سیاسی سختی تحمیل شده است. مظلومات ترکیه را بسیار مریب و به زداشت و دستگیری و در ارباط وسیع بازتصاب داده اند. تیرتدرشت روزها مه های ترکیه با زکشت رهبران کمونیست به کشور با زداشت آنان اخصای داده شده است. مقامات عالی رتبه: زجمله رئیس ملاقات با هیات بین المللی شده اند.

دستگیری ارتقا، کولتوسا رگین موجی از ابراز نگرانی نسبت به رسوئیات آنان و همبستگی با آنها را در محافل سیاسی و اجتماعی بین المللی برانگیخته است. احزاب کمونیست و کارگری، تعدادی از احزاب سوسیال دمکرات و سبزها پارلمان با زار مشترک اروپا، هنرمندان و نویسندگان و اعضای پارلمان کشورهای مختلف، با کارها همبستگی با حیدر کولتوسا و ریست با رگین و اعاده دموکراسی به ترکیه، پیوسته اند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ضمن محکوم کردن عمل خود را نه رژیم دیکتاتور ترکیه و خواهان آزادی هر چه سریع تر ارتقا حیدر کولتوسا و هیئت با رگین، رهبران کمونیست ترکیه است.

آقای خا و بربر زرد و کولتوسا
دبیر کل سازمان ملل متحد

همه چیزها این آکا هند که رژیم ایران با زیر با کذاشتن همه موازین انسانی و همه مقصودات بین المللی، با ادا هتک و کشتار سرکوب و اعدا م بهترین فرزندان مردم میهن ما فاجاعی می آفریند که در تاریخ کما بقه است.

هشت سال جنگ جنایتکارانه دور رژیم ارتقا عی ایران و عراق بیش از یک میلیون از مردم و کشور را کشته، میلیونها نفر را زخمی و معلول کرده و بیش از آن آوار و بی خانمان کرده است. جنگی که صدها شهروست و هزاران و ادم صنعتی و اقتصادی دو کشور را ویران کرده است.

در هفتمین سال جنگ، قشون کشتی بی سابقه دولت آمریکا و همبیمانان آن به منطقه حضور بیست از ۸۰ کشتی جنگی در خلیج فارس به پناهنده "دفاع از امنیت کشتیرانی" متعلقه با خطر فاجاعه رو غیر قابل پیش بینی روسر و کرده، صلح و امنیت جهانی را مورد تهدید قرار داده است.

صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت این اعدا در دردیهای مردم ایران و عراق و شما ما نسبتا نیهای صلح دوست و ترقی خواه جهان موجوده و رد که جنگ با با نیا بدوا اختلف می مابین از طریق مذاکره حل شود. و اگذا ری مسئولیت اجرای این قطعنامه به شما با سنجین و مسئولیت خطری را بردوش شما می کذا رد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواهان اجرای فوری و بدون قید و شرط قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است و از شما مصرا نه می خواهد که همه ستوان و امکانات خود را برای به پناهنده با رساندن این جنگ کثیف و خانمان بر اندازیکا رگیرید. سازمان ما خواهان دستیابی به صلح با ایدار میان دو کشور و در منطقه و حل و فصل کلیه اختلافات از طریق مذاکره است.

سازمان ما خواهان خروج بیدرنگ نیروهای نظامی خارجی از منطقه خلیج فارس است. ما این امنیت کامل کشتیرانی در خلیج فارس، در صورت لزوم، زیر نظر سازمان ملل متحد است.

آقای دبیر کل
اخیرا رهبران جمهوری اسلامی ایران فشار و سرکوب خونین علیه سازمان های مترقی ایران را که برای صلح و دموکراسی و نیکبختی مردم ایران مبارزه

بازداشت راهزنانه رهبران احزاب کمونیست و کارگر ترکیه

دبیران کل حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه ارتقا، "حیدر کولتوسا" و "نیهت سارگین" که بنا به تصمیم احزاب آن برای تامین فعالیت عملی در کارزار مبارزاتی کشور روستا مین حق فعالیت قانونی، روز ۲۵ آبان همرا دیگ هیئت بین المللی متشکل از حقوقدانان، اعضای پارلمان اروپا و شخصیت های سیاسی کشورهای اروپایی به ترکیه سفر کرده بودند. در فرودگاه آتکارا توسط نیروهای امنیتی رژیم ترکیه با زداشت شدند.

ارتقا، کولتوسا رگین قبل از عزیمت در یک کنفرانس مظلومانی، هدف عزیمت خود را به ترکیه تا مین فعالیت احزاب آن اعلام کردند و اظهار داشتند که علیرغم احتمال با زداشتشان توسط ما مورین دولتی رژیم ترکیه خواهد رفت.

تصمیم احزاب مور، مبنی بر با زکشت دبیران کل به کشورهای خارج برای قانونی کردن فعالیت کمونیستها، بر اساس ارزیابی از اوضاع اجتماعی و سیاسی کشورهای ترازین نیروهای طبقه نیوسا می جا مده علیرغم وجود رژیم دیکتاتور و ازال صوت گرفته است. فعالیت عملی کمونیستهای ترکیه خواهد توانست مبارزه برای دموکراسی را تقویت و نقش بزرگی در ایجاد شرایط دموکراتیک در ترکیه ایفا نماید. سوزها اینکه حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه خیرا مشترکا اعلام شده اند، نزدی مسئله وحدت آنها را انجام خواهد یافت و با نام حزب کمونیست متحد ترکیه، به مبارزاتشان ادا خواهد داد.

درگذشت رفیق نامور عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق "رحیم نامور"، کمونیست برسا بقه و عضو قدیمی کمیته مرکزی حزب توده ایران، پس از نیم قرن مبارزه بیگیرانه و خستگی نا پذیر در سنگر جنبش کارگری و کمونیستی ایران، چشم از جهان فرو بست.

رفیق نامور از دوران رضاشاه فعالیت سیاسی و انقلابی را آغاز کرد و با سبب حزب توده ایران به صفوف آن پیوست. در سالهای دهه ۲۰ نقش مؤثر و فعالی در مبارزات سیاسی و فرهنگی علیه استعمار و ارتجاع بعیده داشت. او از با به کذا ران و رهبران جمعیت ملی مبارزه با استعمار بود که به استکبار حزب توده پیوسته بود. رفیق نامور در جریان اوج گیری جنبش ملی شدن نفت، مدیریت روزنامه "شهباز" را به عهده داشت و نقش مهمی در اقامت چهره امیرالیم آمریکا - که در مدجا نشینی امیرالیم تسلیم در ایران بود - ایفا کرد.

پس از کودتای آمریکا ش ۲۸ مرداد، رفیق نامور علیرغم شرایط اختناق و بیگیردلیبی، با لیا به مبارزه علیه رژیم کودتا ادا مدها دودر سال ۲۷ به دستور حزب مبارزات کرد و با نگارش مقالات متعدد سیاسی، تاریخی و فرهنگی در نشریه "دنیای ما" از طریق رادیو بیگ ایران، مبارزه خود را راه اتاعه مارکسیسم - لنینیسم و راهای کارگر سران و زحمتکشان، ادا مده داد.

رفیق نامور با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ علیرغم کهنسنت، به میهن با زکشت و با تمام وجود بیگاری را پی گرفت.

پس از پیروزی ددمشا نه رژیم به حزب، در سال ۶۲ و دعوت رژیم از اعضا و هواداران حزب برای معرفی و تسلیم خود به ارتقا های پلیسی، رفیق نامور با صدور اعلامیه ای از همه اعضا و هواداران حزب خواست که قضا نه دست رد بر سینه زخمیان حاکم شدها دویا خود را ری ازمعرفی خود به حوزه های سپاه پاسداران، این توطئه ردیانه را نش بر آیمائند. او پس از مبارزات دوم، نیز لطفه ای از مظلومانه، بزوش، شرحه و نگارش با زنا پستا دویا و حسیه ای سرشار از خوشبینی انقلابی، تا آخرین دم حیات پربار خود، برای آزادی، استقلال و پیروزی زحمتکشان ایران مجاهدت کرد.

رفیق نامور، کمونیستی مومن، انسانسی با فرهنگ و روشنگری به معنای واقعی کلمه، زحمتکش و خد متگرا بود، او با نوشته ها و ترجمه هایش نقش مشوری در اقامت عدلیت انقلابی و مارکسیستی ایفا کرد.

درگذشت رفیق نامور را به کمیته مرکزی حزب توده ایران و با زما ندگان او تسلیت می گوئیم. یادش گرامی باد.

سنگر دانشگاه

سران جمهوری اسلامی یکی از بزرگترین موانع بر سر راه تحقق اهداف ارتقا عی شان را جنبش مترقی دانشجویی می بینند، لذا برای از میان برداشتن این مانع به سرکوب گسترده دست یازیدند. بنا اخراج ۲۰ هزار دانشجو ۸ هزار استاد مترقی و آزادیخواه، ایجاد وقفه سه الودر کار دانشگاه، برقراری ضوابط پلیسی-ارتقا عی درگزین دانشگاه جدید و وضع قوانین فاشیستی برای آموزشاری دانشگاه عملا تبا دل تجربه انقلابی میان نسل های بی بری دانجویان را مختل کرده و برای مدتی محدود، وقوع ارتقا کنترل شدید پلیسی در آوردند. اهرم جدی در این کنترل سرکوبگرانه علاوه بر قوانین سربازخانه ای، استفا ده از ارگان سرکوب کثیرالعدده انجمن های اسلامی بود که با تخصیص "سهمیه آنها" بقا و گسترش آن تخصیص می شد. آخرین ترکیب مسئولان تراز بالای وزارت آموزش عالی، شورای عالی نخبه در صفحه ۱۳

به برنامه های رادیو زحمتکشان ایران گوش فرا دهید
رادیو زحمتکشان ایران، صدای آزاده کارگران و زحمتکشان کشور و صدای برحق تمام محرومان میهن است.
رادیو زحمتکشان ایران هر روز از ساعت ۷ بعد از ظهر به مدت یک ساعت روی امواج کوتا سه ردیف های ۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر برتا مپخش می کند. این برتا مدها در ساعت ۸ عصر همان روز و صبح روز بعد تکرار می شود.
ساعت و طول موج رادیو زحمتکشان ایران، صدای رسای صلح و آزادی را با خطا طر بسپارید. وقت و طول موج آن را به همه بگوئید و در همه جا بشنوید.
برای امکا تبه رادیو زحمتکشان ایران به آدرس نشریه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ناما به بنویسید.

آدرس P1-10 1091 WIEN AUSTRIA	با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.
حساب بانکی AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 450 DR. GERTRAUD ARTHNER	

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوینی جمهوری اسلامی